

## The Right to the Truth in International Law: Fact or Fiction?

حق بر حقیقت<sup>۱</sup> در حقوق بین‌الملل: واقعیت یا افسانه<sup>۲</sup>\*

### یاسمین نقوی

وی دانشجوی دکترای حقوق بین‌الملل در مؤسسه مطالعات عالی بین‌المللی ژنو می‌باشد و همچنین دارای مدارک دی‌ای‌اس (DES) (از مؤسسه عالی مطالعات بین‌المللی) و کارشناسی حقوق بین‌الملل (از دانشگاه تاسمانیا) با اخذ درجه‌ای عالی است.

### چکیده

حق بر حقیقت، به عنوان مفهومی حقوقی، در سطوح ملی و بین‌المللی به منصفه ظهور رسیده است. این حق از یکسو دربردارنده تعهد دولت‌ها در فراهم نمودن اطلاعات مورد نیاز قربانیان یا خانواده آنان بوده و از دیگر سو متضمن تعهد دولت‌ها در فراهم نمودن اطلاعات مربوط به تخلفات فاحش حقوق بشری برای جامعه، در کل، می‌باشد.

این مقاله در پی آن است تا عقاید متعدد راجع به حق موصوف را از همدیگر منفک نموده و با رجوع به رویه دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی، استحکام هنجاری، حق موصوف را مورد ارزیابی قرار دهد. همچنین در مقاله حاضر، برخی عقاید ضمنی مبتنی بر تغییر صبغه این حق از جنبه حقوق کیفری به حقی قانونی، مورد تأمل واقع شده است.

«همان‌طور که حق حیات، آزادی و جستجوی خوشبختی در زمره حقوق افراد محسوب می‌گردد، حق بر حقیقت نیز از جمله حقوق انسان به شمار می‌رود.» اپیکتوس<sup>۳</sup> (۱۳۵ - ۵۵) «صلح در صورت امکان، اما حقیقت در هر حال»، مارتین لوتر<sup>۴</sup>. (۱۵۴۶ - ۱۴۸۳)

<sup>۱</sup> - Right to the Truth

<sup>۲</sup> - برگردان به فارسی: زهرا جعفری و نیکان شمس‌نژاد

\* مقاله حاضر اولین بار در تاریخ ۲۹ مارس ۲۰۰۶ و در قالب سخنرانی از سلسله سخنرانی‌های حقوق کیفری فراملی در مؤسسه تی.ام.سی اسر (T.M.C Asser Institute) شهر لاهه ارائه گردید.

<sup>۳</sup> - Epictetus

<sup>۴</sup> - Martin Luther

## مقدمه: اهمیت حقیقت حقوقی

مراحل مربوط به پیگرد کیفری، اعم از اینکه در سطح ملی یا منطقه‌ای باشد، اصولاً دایرمدار تعیین صحت و سقم خطاهای اتهامی است و دست‌کم از منظر نظام کامن لا آنچنان که شایسته است دغدغه تحقیق پیرامون حقیقت را ندارد؛ زیرا در واقع باید توجه داشت آنها با کمک ادله‌ای، بی‌گناهی یا گناهکاری متهم را اثبات می‌کنند که صحت آن مورد اعتراض قرار می‌گیرد، زیر سؤال می‌رود و یا قابلیت تفسیر به انحاء مختلف را در خویش می‌پروراند. از این حیث، گرچه نظام‌های حقوق موضوعه اهمیت بیشتری برای یافتن حقیقت قائل هستند، لیکن باید در نظر داشت، نتیجه نهایی تفاوت‌چندانی با نظام کامن لا ندارد؛ در این نظام، نیز پرونده از طریق شکست یا پیروزی در اقناع خاطر قاضی و هیأت منصفه (که وظیفه تعیین مجرمیت یا بی‌گناهی متهم را عهده‌دار هستند)، شکست خورده و یا پیروز می‌شود و همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، در نظام مذکور حقیقت قانونی، صرفاً محصول فرعی سازوکار رفع منازعه می‌باشد.

همچنین، هرچند اهمیت این محصول فرعی در محاکمات بین‌المللی، بعد جدیدی یافته، لیکن بی‌تردید، این محاکمات نیز دایرمدار اثبات بی‌گناهی یا گناهکاری متهمان بوده و بین حصول به اهداف بلندی که در اعاده و نگهداری از صلح، مشارکت دارد<sup>۵</sup> و نیز فرایند سازش ملی<sup>۶</sup> با دیگر کشورها در موضوعاتی نظیر اقدام علیه بی‌کیفری، پیشگیری و ممانعت از تخلفات آینده، جبران خسارت قربانیان، پشتیبانی از حقوق آنها، معزول نمودن فعالان سیاسی خطرناک از مناصب سیاسی و برقراری مجدد حکومت قانون و تأیید اصل قانونی بودن، در کش و قوس هستند؛ فی‌الواقع محاکمات بین‌المللی، مشتمل بر مجموعه‌ای از اعمال ذیل می‌باشند:

تأثیرگذاری نمادین محاکمه کیفری بر جوامع در حال اختلاف، حرکت از محکومیت جمعی به سوی مسئولیت فردی، برقراری مجدد انسجام ملی (جهت تأیید مصادیق فوق) از

---

5. SC Res. 808 (1993), 22 February 1993, on the establishment of the International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia, Preambular para. 9.  
6. SC Res. 955 (1994), 8 November 1994, on the establishment of the International Criminal Tribunal for Rwanda, preambular para. 7.

طریق تجزیه و تحلیل حقوقی - کیفری و بالاخره ثبت نمودن وقایع تاریخی، همراه با صبغه ای حقوقی.

حال چگونگی ورود حق بر حقیقت در این فرآیند محل سؤال است؟ در واقع به اعتقاد عده ای، مفهوم حقوقی مذکور که به طرق مختلف وارد فرایندهای کیفری بین المللی شده است گاهی استحکام پیگرد کیفری متهمان به ارتکاب جنایات بین المللی را در پی دارد و گاهی توجه به مدعی علیه را کمرنگ نموده و حرکت پرونده را به سمت استنباط موسع از محاکمات کیفری بین المللی سوق می دهد؛ چه بسا قابلیت آن را دارد که با توسل به وضعیت هایی چون عفو برای حقیقت یا مصونیت به عدم پیگرد کیفری متهمان منتهی شود. شاید ذکر یک نمونه از استنباطهای موسع مذکور دلیل گویایی باشد که ما را به نتیجه اینگونه استنباطها رهنمون نماید و آن خاتمه ناگهانی پرونده میلوسویچ می باشد. در واقع به دلیل چنین استنباطهایی دادگاه کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق رأی به خاتمه پرونده مذکور داد.

از این زاویه اسوتزار مرویچ رئیس جمهور صربستان و مونته نگرو، اظهار داشته است: « با مرگ میلوسویچ تاریخ از حقیقتی کامل محروم خواهد شد»<sup>۷</sup> و میلان کوسان رئیس جمهور اسبق اسلونی، با لسانی کمابیش متفاوت اظهار داشت: «تاریخ باید به قضاوت درخصوص میلوسویچ بپردازد.»<sup>۸</sup>

از سوی دیگر کارلا دل پونته دادیار ICTY، در عین اظهار تأسف برای قربانیان جرایم اتهامات میلوسویچ که به جبران خسارات مقتضی و عادلانه نائل نشدند، تأکید نموده است که گواهی ۲۹۵ نفر شاهد و حدود ۵۰۰۰ دلیل؛ که در طول رسیدگی به پرونده نزد دادگاه ابراز شد. «مدارک مهمی را تشکیل داده اند.»<sup>۹</sup> اظهار نظر فوق مبین آن است که عدم انشای رأی - که این محاکمه ۴ ساله را از حصول به برخی اهدافش محروم نمود - به ویژه

---

۷. نگاه کنید به خبر BBC: رئیس جمهور اسبق یوگسلاوی، اسلوبودان میلوسویچ، در مرکز بازداشت لاهه درگذشت. Reaction to the news, 12 March 2006 قابل دسترس در

<http://news.bbc.co.uk/2/1/hi/europe/4796704.stm#world> , (بازبینی نهایی ۲۳ مارس ۲۰۰۶)

8. Ibid.

9. Press Conference by the ICTY Prosecutor, Carla Del Ponte, The Hague, 12 March 2006, <http://www.un.org/icty/late-e/index.htm> (بازبینی نهایی ۲۳ مارس ۲۰۰۶)

منبعث از عدم امان نظر شایسته به حق بر حقیقت یا ثبت نمودن وقایع تاریخی بود. حال سوآلی که همچنان باقی می‌ماند این است که آیا ضروری است قضاوتی قانونی الزاماً مطابق با ادله متضمن حقیقت باشد.<sup>۱۰</sup>

در واقع حق بر حقیقت که دارای موجودیت در حقوق بین‌الملل می‌باشد با اهداف موسع حقوق بین‌الملل کیفری ارتباطی تاکتیکی داشته و به نگهداری و اعاده مجدد صلح منتهی می‌شود (زیرا آشکار شدن حقیقت جوامع را توانا می‌سازد تا به پیشگیری از وقوع مجدد حوادث مشابه بپردازند)، فرایند سازش را تسهیل می‌کند (زیرا تصور می‌شود که حقیقت عنصر ضروری است که شکاف بین جوامع را بهبود می‌بخشد)<sup>۱۱</sup>، در امحاء بی‌کیفری مشارکت می‌نماید (زیرا معلوم شدن مسئول تخلفات پاسخگویی متعاقب آنها را در پی خواهد داشت)<sup>۱۲</sup>، به بازسازی انسجام ملی منتهی می‌شود (به وسیله متحد نمودن کشورها از طریق

---

۱۰. همچنین کارلادل پونته، در کنفرانسی مطبوعاتی که به تاریخ ۱۲ مارس ۲۰۰۶ برگزار گردید، تأکید نمود؛ حکم مورخ ۱۶ ژوئن ۲۰۰۶ که اتهام فقدان وجود دلایل کافی را رد نمود، مطابق با قاعده (bis) ۹۸ بود. زیرا در این پرونده دلایل کافی وجود داشت که با استناد به آن هر ۶۶ اتهام وارده به میلوسویچ را اثبات می‌نمود. لیکن شایسته توجه است، نمی‌توان حکم مذکور را به گونه‌ای مورد تفسیر قرار داد که مقصر بودن میلوسویچ از آن استنباط شود؛ بلکه تنها تفسیر ممکن آن خواهد بود که احتمال ارتکاب جرایم اتهامی به وسیله میلوسویچ می‌رفته است.

Prosecutor v. Slobodan Milosevic, Decision on Motion for Judgment of Acquittal, IT-02-54-T, 16 June 2004, at Para. 9.

۱۱. نگاه کنید به؛ حکم عالی شماره ۳۵۵ کمیسیون ملی حقیقت و سازش شیلی. با استناد به حکم مذکور، «تنها کارکرد اساسی حقیقت، اقناع تقاضاهای مبنایی برای حصول به عدالت و ایجاد شرایطی ضروری جهت نائل شدن به سازش واقعی ملی خواهد بود».

۱۲. نگاه کنید به؛ گزارش کارشناس مستقل بی‌کیفری داین ارنتلچر (Daine Orentlicher) که مسئولیت اصلاح اصول اقدام علیه بی‌کیفری را عهده‌دار است. ضمیمه: «اصلاح نمودن اصول اقدام علیه بی‌کیفری جهت ارتقاء و صیانت از حقوق بشر».

UN Doc.E/CN.4/2005/102/Add.1, 8 February 2005

اصل ۲ از اصول فوق صراحت دارد بر اینکه: «حق مطلع شدن از حقیقت راجع به حوادث ارتكابی گذشته که مربوط به جبران خسارات ناشی از این جرایم شنیع می‌شود و نیز مطلع شدن از اوضاعی که منتهی به تخلفات فاحش و عمده شده است؛ در زمره حقوق سلب‌ناپذیر هر فرد انسانی بوده و به جبران خسارت ناشی از این جرایم منجر خواهد شد». برطبق اصل ۴: «منصرف از اینکه دعوا در چه مرحله رسیدگی باشد، حق قربانیان و خانواده آنها در مطلع شدن از حقایق تخلفات ارتكابی، سرنوشت افراد



گفتگو در مورد گذشته و تاریخ مشترکشان)<sup>۱۳</sup> و ثبت وقایع تاریخی را در پی دارد (زیرا ثبت و ضبط حقایق راجع به آنچه اتفاق افتاده از یکسو (و به ویژه) در دادگاه علناً به تبادل نظر گذاشته می‌شود و از دیگر سو می‌توان اعتبار ادله ارائه شده به دادگاه را با آن، مورد ارزیابی قرار داد). همچنین استدلال شده است، حق بر حقیقت از طریق تضمین رسیدگی به جرم و شفافیت در امر دادرسی و قرار احضار زندانی (و بازداشت افراد مسئول توسط دولت)، همچنین لزوم دسترسی عامه به اسناد دولتی، به تنظیم کیفرخواست منتهی می‌شود. در عین حال، پیش‌بینی حق بر حقیقت در مراحل دادرسی، جبران خساراتی را برای قربانیان در پی خواهد داشت.<sup>۱۴</sup>

---

ناپدید شده و قربانی، در زمره حقوق غیرقابل اسقاط محسوب می‌شود» و به موجب اصل ۱: «دولت‌ها متعهد می‌باشند که حق لاینفک افراد بر مطلع شدن از حقیقت راجع به تخلفات ارتكابی را تضمین نمایند»، اولین پیش‌نویس این اصول متعاقب تصمیم کمیسیون فرعی توسط آقای جوینت (Mr Joinet)، در ضمیمه گزارش نهایی اصلاحی وجود دارد.

1996/119, UN Doc.E/CN.4/sub.2/1997/20/Rev.1.

۱۳. نگاه کنید به: قانون شماره ۲۵۹۷ / ۱۲، ۱۴ می ۱۹۹۲، آلمان: طبق این قانون کمیسیون تحقیق ایجاد می‌شود که به رسیدگی و تحقیق در خصوص تاریخچه دیکتاتوری و نتایج آن پردازد و طبق پاراگراف اول: «تحقیق در خصوص تاریخچه و نتایج دیکتاتوری (در بخش آلمان شرقی که آلمان سوسیالیست خوانده می‌شد)، مسئولیت مشترک تمامی آلمان‌ها به شمار می‌آید و به ویژه جهت ایجاد آلمانی متحد، واجد اهمیت خواهد بود».

۱۴. نگاه کنید به: اصل ۱۱ از اصول و خطوط راهنمای مبنایی مربوط به حق جبران خسارت قربانیان تخلفات عمده حقوق بشر و نقض فاحش حقوق بشردوستانه، CHR Res. 2005/35, 19 April 2005, ECOSOC Res. 2005/35, 23 July 2005. این اصول مبین آن است که «جبران خسارت مربوط به تخلفات عمده حقوق بشر و نقض فاحش حقوق بشردوستانه مشتمل بر حق قربانیان در ... دسترسی به ... اطلاعات مربوط به تخلفات ارتكابی می‌باشد» .. و طبق بند ب اصل ۲۲، «حق قربانیان به جبران خسارت (در راستای رضایت خاطر و جبران خسارت آنها) مشتمل است بر تحقیق راجع به وقایع ارتكابی و افشاء عمومی و کامل حقیقت» و طبق اصل ۲۴: «قربانیان و نمایندگان آنها باید قادر به دریافت اطلاعاتی حاوی دلایل تخلفات ارتكابی و اوضاعی باشند که منتهی به ارتكاب نقض عمده حقوق بشر و نقض فاحش حقوق بشردوستانه می‌گردد و در نهایت از حقیقت راجع به تخلفات ارتكابی علیه خود مطلع شوند».

فوايد فوق‌الذکر، کمیسیون حقوق بشر را برانگیخت تا در شصت‌ویکمین اجلاس خود، قطعنامه شماره ۶۶/۲۰۰۵ را به تصویب برساند. در این قطعنامه کمیسیون، حق بر حقیقت را مورد شناسایی قرار داده است؛ حقی که در امحاء بی‌کیفری مشارکت فعال می‌نماید و به ارتقاء و حمایت از حقوق بشر منتهی خواهد شد. از این حیث نکته‌ای که همچنان حائز توجهی شایسته است، اهمیت این حق و تعیین دامنه شمول آن در حقوق بین‌الملل است. لذا قطعنامه فوق، از دفتر کمیسیاری عالی حقوق بشر، درخواست نمود تا مطالعاتی را در این خصوص انجام داده و به شناسایی مبنا، دامنه شمول و محتوای حق موصوف در حقوق بین‌الملل بپردازد. این گزارش بنا بود در اجلاس ۶۲ کمیسیون مورد بررسی قرار گیرد. در مقاله حاضر تلاش شده است که تحلیل‌های انتقادی راجع به این حق (که بعضاً با هم در اختلاف هستند) و نتایج حقوقی این حق (البته اگر وجود داشته باشد) مورد بررسی قرار گیرد. به عبارت دیگر، این مقاله تلاش دارد تا نکات ذیل را روشن نماید: آیا این حق، حق واقعی است؟ آیا واجد هویتی مجزا است، به نحوی که بتوان آن را اجرا نمود؟ یا آیا تنها یک توهّم حقوقی است. یک ابزار تفسیری که با تمسک بدان به پرکردن خلأی پرداخته می‌شود که نظام هنجاری کنونی ناتوان از پر کردن آن است. این مقاله در پی آن است تا عقاید مختلف راجع به این حق را از هم منفک نماید. عقایدی که از بدو پدیدار شدن حق مذکور در حقوق بین‌الملل به منصف ظهور رسیده‌اند. پرواضح است که تحقیق پیرامون این عقاید مستلزم ورود در حوزه‌ای فراتر از حقوق بین‌الملل خواهد بود، لذا مقاله حاضر فلسفه این حق و تاریخچه آن را هم بررسی نموده و پس از بازشکافی عقاید فوق به تبیین این واقعیت می‌پردازد که عقاید راجع به حق بر حقیقت چگونه وارد متون و رویه قضایی بین‌المللی شدند و در آخر عقایدی مورد بررسی قرار می‌گیرد که حق مذکور را به سمت حقی قانونی سوق دهد.

### نگاهی مختصر بر پیدایش حق بر حقیقت در حقوق بین‌الملل

حق بر حقیقت، به مثابه مفهومی حقوقی و به اشکال متعدد در رویه قضایی مختلف نمایان شده است. تعمق در سیر تاریخی حق مذکور ما را به حقوق بین‌المللی بشردوستانه رهنمون می‌نماید. به موجب این حقوق، خانواده قربانیان حق دارند از سرنوشت بستگان خود مطلع شوند و این حق در ماده ۳۲ و ۳۳ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹،

مصوب ۱۹۷۷ انعکاس یافته است. همچنین حق مذکور ریشه در تعهدی دارد که به موجب آن دولت‌های در حال مخاصمه، موظف هستند در مورد سرنوشت اشخاص مفقودالاثر به تحقیق بپردازند. مصادیقی چون ناپدیدشدگی اجباری و دیگر تخلفات فاحش حقوق بشری که دولت‌ها در شرایط سخت مرتکب می‌شوند و به ویژه در کشورهای متعدد آمریکای لاتین - و البته در دیگر بخش‌های جهان - دیده می‌شود، منتهی به ارائه تفسیر موسع از حق مذکور شده و بالاخص آن جنبه‌ای از حق بر حقیقت را که حاوی تعهد ارائه اطلاعات در مورد اشخاص مفقودالاثر می‌باشد، برجسته نموده است. این مصادیق منجر شده تا نهادهای مختلف بین‌المللی، چون کمیسیون و دیوان آمریکایی حقوق بشر، گروه کاری سازمان ملل متحد در مورد ناپدیدشدگی اجباری و کمیته حقوق بشر به تعیین ماهیت و شناسایی حق مذکور همت گمارند. درواقع ارکان فوق، با برجسته نمودن حق مذکور تلاش دارند تا به تقویت و تحقیق دیگر حقوق بنیادین بشر، نظیر حق دسترسی به عدالت و جبران خسارات مؤثر پرداخته و حق مذکور را به حوزه‌ای فراتر از کسب اطلاعات راجع به اشخاص مفقودالاثر و ناپدید شده سرایت دهند و به ویژه آن بعدی از حق مذکور را که مربوط به جزئیات راجع به تخلفات فاحش حقوق بشری بوده و اوضاع و احوال مستعد ارتکاب آنها را تحلیل می‌کند، برجسته نمایند. لذا به اعتقاد برادلی، این حق، از بدو پیدایش، ارتباطی تنگاتنگ با قربانی نقض شدید حقوق بشر داشته است؛ از این حیث حق مذکور زمانی که مقامات ذیصلاح از فراهم نمودن اطلاعات مربوط به موارد نقض امتناع کردند و از دیگر سو، چنین اطلاعاتی از طریق محاکمات و یا سازوکارهای حقیقت‌یابی افشا شد؛ به منصفه ظهور رسید.

به طور منطقی، قربانیان و خانواده‌های آنها حق دارند از جزئیات راجع به وقایع ارتكابی اطلاع حاصل نمایند و حق بر حقیقت این حق را تأمین می‌کند از این حیث اعتقاد بر آن است که حس وجود جبران خسارات وارده به تسریع بهبود قربانیان و خانواده آنها منتهی شده و به این نحو بخشی از رنج‌های وارد بر آنها را التیام خواهد بخشید. به علاوه این حق موجب امحاء بی‌کیفری است و اعتبار قوانین راجع به عفو و بخشایش را زیر سؤال می‌برد و تمامی این موارد تا حدودی جبران خسارات ناشی از تخلفات فاحش حقوق بشری و مسئولیت و شفافیت بیشتر حکومت را به همراه خواهد داشت. همچنین اغلب در مخاصمات مسلحانه یا نزاع‌های داخلی با توسل به حق مذکور به چرایی وقوع مخاصمه یا تخلفات

عمده حقوق بشری پرداخته می‌شود؛ در این راستا تعداد قابل توجهی از کشورها تلاش کرده‌اند با تأسیس کمیسیون‌های حقیقت یا تحقیق، برگزاری محاکمات علنی، افشای اسناد دولتی و مدیریت مناسب بایگانی وقایع تاریخی و تضمین دسترسی عامه به اطلاعات، حق مذکور را جامه عمل پوشانند.

### مفهوم حقیقت

جهت شناخت چیستی و ماهیت حق بر حقیقت، ابتدا باید بدانیم چه مواردی در زمره حقیقت قلمداد می‌گردد. مدت زمان مدیدی است که فلاسفه با چیستی این مفهوم دست به گریبان هستند. از این حیث شاهد وجود نوعی تفکیک سنتی در مفهوم حقیقت هستیم.

عده‌ای حقیقت را موضوعی اجتماعی و عده‌ای دیگر آن را موضوعی عقلایی می‌دانند. در واقع حقیقت موضوعی اجتماعی است که در قالب یک حق جای گرفته، واجد مفهوم قانونی شده و توسط دولت‌ها به افراد اختصاص یافته است.

شایان ذکر است، تطبیق آنچه در ذهن است با آنچه در واقعیت وجود دارد، تعریف مشترکی از حقیقت را به ذهن متبادر می‌سازد. تعریف مذکور را باید از نظریه احتمالات ویلیام جیمز مجزا دانست. به موجب نظریه وی، عقاید واقعی تنها مشتمل بر آن دسته از عقایدی است که در عالم واقع قادر به اثبات آن می‌باشیم.<sup>۱۵</sup> به عبارت دیگر حقیقت قابلیت آن را دارد که با دلیل، مورد ارزیابی قرار گیرد. همچنین به اعتقاد لاک، حقیقت و نادرستی تنها مربوط به قضایایی می‌شود که قابل تصدیق یا انکار باشند، قضیه بین این دو - حقیقت یا نادرستی - در نوسان است؛ تا وقتی که به وسیله قاضی یا هیأت منصفه مورد اثبات یا انکار قرار گیرد (یعنی صحت یا نادرستی آن معلوم شود). کانت این نظریه را در عبارت «حقیقت و خطا»<sup>\*</sup> خلاصه می‌کند. به اعتقاد وی، در مرحله محاکمه معین می‌شود که چرا فلان چیز خطا نیست، در واقع، در مرحله محاکمه همواره، داوری کردن بین حقیقت و خطا است، لیکن هرگز به تأیید نهایی یکی از آن دو منتهی نمی‌شود.<sup>۱۶</sup>

---

15. William James, *Essays in Pragmatism*, Hafner Publishing Company, Inc., New York, 1948, p. 160.

\*. Truth and error

16. Immanuel Kant, *Critique of Pure Reason*, ed. and transl. Paul Guyer & Allen W. Wood, Cambridge University Press, Cambridge, 1998 (emphasis added).

حائز اهمیت است، معادل کلمه حقیقت (truth) در زبان آلمانی Recht و در عربی الحق می‌باشد که معنی صحیح (یا متضاد عبارت خطا و همچنین به معنی حق قانونی) و نیز به معنی عدالت و حتی قانون می‌باشد. (گرچه معادل‌های دیگری نیز برای آن در هر دو زبان وجود دارد که در زبان آلمانی عبارت Gesetz و در زبان عربی قانون است). همان‌طور که مشاهده می‌شود مفهوم فوق، یادآور نظریه کانت است. معذک قابل ذکر است که در نظریه اسلامی، حقیقت یکی از خصوصیات غیرقابل تفکیک خداوند است، لذا کیفیتی است مطلق و ازجمله خصوصیات فرد انسانی به شمار می‌رود.<sup>۱۷</sup>

در مطالعه‌ای تطبیقی این نتیجه حاصل می‌آید که در نظریه مسیحیت، حقیقت به چیزی اطلاق می‌شود که فرد انسانی به آن عمل می‌کند و این عمل واجد دو نتیجه است، (آزادی و رهایی، John 8:32) و حصول به نتیجه‌ای غیرقابل پیش‌بینی (درواقع انسانی که به حقیقت عمل می‌کند (یا به آنچه عمل می‌کند، عین حقیقت است)، فعلش در دیدگاه خداوند مؤثر واقع می‌شود. John. 3:2)<sup>۱۸</sup> همچنین مطابق تعریف متافیزیکی از حقیقت (همان‌گونه که توماس آکویناس معتقد است) ضروری است که قضاوت به آشکار نمودن حقیقت منتهی شود، اما نباید از نظر دور داشت، قضاوت تنها زمانی صحیح است که با واقعیت خارجی مطابقت داشته باشد.<sup>۱۹</sup> این اعتقاد، قرابتی نزدیک با تعریف مشهور ارسطو از حقیقت دارد. به اعتقاد وی؛ با استناد به حقیقت، تنها آن چیزی قابل بیان است که در عالم واقع وجود دارد و آنچه وجود ندارد، نه تنها قابل بیان نیست بلکه آن دروغ است نه حقیقت.<sup>۲۰</sup> این تعریف از حقیقت دلالت بر وجود حقیقتی اخلاقی دارد و از یکسو متوجه صحت مباحثی است که ما بیان می‌کنیم. و از دیگرسو تعهد دولت‌ها در بازگو نمودن حقایقی

---

17. Matthijs Konemeijer, "An Arab voice of compromise: Hazem Saghieh's In Defence of Peace (1997)", MA thesis, Utrecht University, Department of Arabic, Modern Persian and Turkish Languages and Cultures, p. 71.

۱۸. در اینجا لازم می‌دانم از کمک‌ها و نظریات ماتینجر کرنمیر (Matthijs Kronemeijer) که در جمع‌آوری توضیحات و تعاریف مربوط به نظریه اسلام و مسیحیت من را کمک نمودند، نهایت تشکر و قدردانی را به عمل آورم.

۱۹. این نظریه درواقع معادل این جمله معروف: Veritas est adaequatio rei et intellectus است

که می‌گوید حقیقت تطابق ذهن و واقعیت است، نگاه کنید به Thomas Aquinas, De veritate

q.1.A.183, cf. summa Theologiae, Q. 16

20. Aristotle, Metaphysics, 1011b25.

است که در واقع بیان امر رخ داده است. به اعتقاد دریدا\* خارج از متن چیزی وجود ندارد و همه آنچه که هست تنها بازی با الفاظ است که هیچ ارتباطی با حقیقت اصلی ندارد.<sup>۲۱</sup> و چنانچه بخواهیم با وی همصدا شویم، باید قائل به این شد، حق بر حقیقت، دلالت بر دانستن وقایعی دارد که در عالم واقع حادث شده است؛ به عبارت دیگر حق آگاهی یافتن از اطلاعات که دولت‌ها را بر آن می‌دارد تا حقایق را به اطلاع عموم برسانند. پرواضح است که این اظهارات می‌تواند مطابق و یا مغایر با آن چیزی باشد که درواقع اتفاق افتاده است. لیکن با استناد به این حق، دولت‌ها موظف شده‌اند اطلاعاتی را به سمع و نظر مردم برسانند که مطابق با واقع باشد. به اعتقاد دریدا، نوشتن، تنها مقید به آن تصورات غربی نیست که با استناد به آن نوشته حتماً باید مبتنی بر الفبای مصوت در یک کتاب باشد. بنابراین ضرورت ندارد اظهارات دولت‌ها حتماً در قالب شکل خاصی بیان شود بلکه می‌توان به طرق سمعی، بصری، موسیقایی یا حتی ساخت مجسمه آنها را تبیین نمود. لذا دولت‌ها می‌توانند (دست‌کم به صورت جزئی) با تمسک بدین اشکال حق بر حقیقت را تأمین نمایند. ازجمله این اقدامات عبارت است از؛ بنا نمودن آثار یادبود و تقدیم آن به قربانیان و طراحی کارهای هنری و موسیقایی با مضمون وقایعی که حادث شده است. برخی محاکمات به انواعی از اقدامات اخیر جامه عمل پوشانده‌اند. برای مثال با استناد به رأی شعبه حقوق بشر بوسنی هرزگوین در پرونده سربرینیکا\*، ری پوبلیکا سرپسکا\*\* به پرداخت مبلغی جهت احداث گورستان و بنای یادبود Srebrenica-potocari گردید. لیکن از نقطه‌نظر دریدا یک اثر، قابلیت آن را دارد تا وارد بازی با نقش‌های مختلف شده، به انحاء مختلف مورد تفسیر قرار گرفته و همواره در چالش با قدرت و خشونت باشد که به واقع هرگز به تصدیق حقیقت نهایی منتهی نمی‌شود.<sup>۲۲</sup>

---

\*. Derrida

21. Jacques Derrida, *Prophets of Extremity*, University of California Press, Berkeley, 1985, p. 3.

\*.Srebrenica

\*\*Republica Srpska

22. Jacques Derrida, *Of Grammatology*, transl. Gayatri Chakravorty Spivak (1967), Johns Hopkins University Press, Baltimore, 1976, pp. 7-8, 60-62ff.

با این حال، مقصود دریدا این نیست که یک اثر را بتوان به گونه‌های مختلف مورد تفسیر قرار داد. رویکرد فوق یادآور این جمله فیلسوف و تاریخدان مشهور ایتالیایی بنداکراس می‌باشد که معتقد است تاریخ عبارت است از تحقیق حقیقت تاریخی مربوط به منافع موجود.<sup>۲۳</sup> این عقیده مجدداً در نوشته‌های فلسفی و گزارش‌های تاریخی مختلف، پررنگ شده است. از جمله جیمز در اصول روانشناسی خود این استدلال را مطرح کرده که نه تنها مفاهیم و نظریه‌ها، بایستی متضمن تجربه عقلایی ما باشد، بلکه همچنین باید نیازهای واقعی، احساسی و زیبایی‌شناسی را نیز دربر گیرد.<sup>۲۴</sup> اعتقاد وی به نوعی همسو با اظهار نظر والت وایتمن می‌باشد که معتقد است حقیقت آن چیزی است که توانایی متقاعد کردن روح ما را دارد.<sup>۲۵</sup>

نسبی بودن حقیقت، مسئله‌ای است که در قانونی نمودن حق بر حقیقت اهمیتی مضاعف پیدا کرده است زیرا، نمی‌توان همه اطلاعات مورد نیاز دارندگان این حق را فراهم نمود. به علاوه نظریه عملی حقیقت اهمیتی برای کیفیت اندیشه یا تفکر قائل نیست، بلکه نتایج و علائم بیرونی آنها را مطمئن نظر دارد. این تئوری را می‌توان در برخی سازوکارهای اجرایی حق بر حقیقت، بالعینه مشاهده کرد. برای مثال کمیسیون‌های سازش و حقیقت پس از انجام تحقیقات پیرامون حوادث ارتكابی، نتایج ناشی از اقدامات فوق را به نحوی تدوین می‌کنند تا به ایجاد سازش منتهی شود. به طور نمونه تنظیم گزارش‌ها و نتایج تحقیقات کمیسیون حقیقت و مودت (که توسط اندونزی و تیمور شرقی در مارس ۲۰۰۵ تأسیس شد) حقایق حوادث ارتكابی را منعکس نموده و نسبت به مجلس مشورتی سال ۱۹۹۹ که سعی

---

23. Benedtto Corce, *History: Its Theory and Practice*, tarnsl. Douglas Ainslie, Harcourt, Brance and Co., New York, 1921, pp. 11-26, reprinted; "History and chronicle" in Hans Meyerhoff (eds.), *The Philosophy of History in Our Time*, Doubleday Anchor, New York, 1959, p. 45.

24. William James, *Principles of Psychology*, 1890, Harvard University Press, Boston, 1983, p. 940.

25. Walt Whitman, *Preface to Leaves of Grass* (1855), Bantam Books, New York, 1983.



در برقراری سازش و مودت داشت؛ اقدامات مثمرثمری را موجب شد و از وقوع مجدد حوادث مشابه ممانعت به عمل آورد.<sup>۲۶</sup>

طبق نظریه پست مدرنیسم - که مطابق با ادعای میشل فوکو می‌باشد - حقیقت خارج از قدرت یا فاقد قدرت نیست بلکه منبعث از اشکال مختلف اضطراب می‌باشد.<sup>۲۷</sup> به عبارت روشن‌تر، حقیقت ترکیبی از نیروهای اقتصادی و سیاسی است که بیشترین قدرت را در بافت اجتماعی دارا هستند. در واقع این حقیقت به مثابه نظامی اندیشیده جهت استخراج، تنظیم، توزیع و اشاعه بیانیه‌های مربوط به قطب قدرت است.<sup>۲۸</sup> لذا اگر حق بر حقیقت چیزی جز بیان قدرت از طریق سازوکارهای اجتماعی نباشد، آیا قابل چشم‌پوشی نخواهد بود؟

پست مدرنیسم به دلیل نوع نگاهش به حقیقت (که منتهی به رویگردانی از آن می‌شود) مورد انتقاد قرار گرفته است.<sup>۲۹</sup> در این راستا بیشترین انتقاد متداول عبارت است از نسبیّت شدیدی که پست مدرن قائل بدان است، راه را بر روی عقاید فاشیستی و نژادپرستانه تاریخی بازمی‌گذارد بدون اینکه سازوکار مخالفت با آنها را نشان دهد. برای مثال، یکی از توجیهات معروف مربوط به لزوم وجود محاکمات نورنبرگ این بود که تلاش جهت اثبات حوادث باورنکردنی از طریق ادله‌ای معتبر، نسل‌های آینده را قادر می‌سازد تا باور کنند که چنین وقایعی رخ داده است.<sup>۳۰</sup>

لیکن علی‌رغم محاکمه مذکور و دیگر محاکمات مشابه، انکار هولوکاست منتهی به اشاعه جنبشی از نیمه دهه ۱۹۷۰ شد که پست مدرنیته را به دلیل تشویق نمودن قابلیت

---

26. Terms for Reference for the Commission of Truth and Friendship Established by the Republic of Indonesia and the Democratic Republic of Timor-Leste, 10 March 2005 (emphasis added).

27. Michel Facualt, *Power/ Knowledge: Selected Interview and Other Writings 1972 – 1977*, Colin Gordon (ed.), Harvester Wheatsheaf, London, 1980, p. 114. see also the translation by Meaghen Morris and Paul Patton (eds.), "Truth and Power", Michel Foucault: *Power, Truth, Strategy*, Feral Publications, Sydney, 1979, pp. 131-132.

۲۸. همچنین به اعتقاد فوکو، ارتباط حقیقت با نظام قدرت، مستلزم دور است زیرا قدرت حقیقت را تولید و به صیانت از آن می‌پردازد و از طرف دیگر، حقیقت بر قدرت موثر واقع شده و منتهی به گسترش آن می‌شود. (ایجاد رژیم ناشی از حقیقت).

29. Joyce Appleby, Lynn Hunt and Margaret Jacob, *Telling the Truth about History*, W.W.Norton, New York, 1994, p. 213.

30. Report on Robert H. Jackson to the President on Atrocities and War Crimes, 7 June 1945, Department of State Bulletin, 10 June 1945, p. 1071.

تفسیربرداری متنوع از حقیقت تاریخی محکوم نمود<sup>۳۱</sup> و زمانی که دیوید ایرینگ کیفرخواستی را علیه دبرا لیپستد ارائه نمود<sup>۳۲</sup> مسئله راجع به حقیقت تاریخی قضیه هولوکاست در اوج اهمیت قرار گرفت. وی در کتابش تحت عنوان «انکار هولوکاست: رشد حملات علیه حقیقت و تاریخ مورخ ۱۹۹۳» نقل می‌کند؛ ابتدا ایرینگ، منکر هولوکاست در اواخر دهه ۸۰ شد، لیکن ادله‌ای که نزد دادگاه ابراز گشت، او را متقاعد نمود، این امکان وجود داشته که آلمان‌ها با مقادیر قابل توجهی گاز، یهودیان را خفه کرده باشند. هرچند دادگاه یک کارشناس تاریخی را به محاکمه فراخواند تا به تحقیق پیرامون پرونده بپردازد، لیکن ایرینگ ترجیح داد که خود دفاع از خود را برعهده بگیرد و پس از آنکه دادگاه ارائه گزارش‌های تاریخی مدعی علیه، علیه اقدامات ایرینگ را قابل قبول تشخیص داد به صدور رأی نهایی علیه وی پرداخت.<sup>۳۳</sup> در واقع بخش اعظمی از انکار وقایع تاریخی عمدی بود و ایرینگ تمایل داشت ادله‌ای که در دادگاه اقامه می‌کند، حتی اگر منتهی به تحریف اسناد تاریخی شود، مطابق با عقاید ایدئولوژیکی‌اش باشد.<sup>۳۴</sup> البته قابل ذکر است محاکمه به تعیین حقیقت راجع به هولوکاست منتهی نشد، بلکه تنها قابلیت اعتبار ادعاهای لیپستد علیه اقدامات ایرینگ را مورد بررسی قرار داده و رأی به صحت آن داد؛ علی‌رغم توضیحات فوق، از این محاکمه به عنوان پیروزی حقیقت<sup>\*</sup> یاد می‌شود. در این خصوص، دیلی تلگراف اظهار داشت؛ این محاکمه، محاکمه‌ای برای نسل حاضر بود زیرا محاکمات نورنبرگ و یا آیشمن به نسل‌های پیشین اختصاص داشته است.<sup>۳۵</sup> با این حال لیپستد در کتابش حق حاضر نمودن

---

۳۱. برای مثال ریچارد جی. ایوانس این استدلال را مطرح کرده است که پیشرفت دامنه و شدت

جنبش‌های منکر هولوکاست از نیمه دهه ۷۰ منعکس‌کننده تفکر پست مدرنیسم است؛ نگاه کنید به:

In Defence of History, Granta books, London, 1997, pp. 238-241. the discussion of his views in Ann Curthoys and John Docker, Is History Fiction? UNSW Press, Sydney, 2006, pp. 209-211.

32. David John Cadwell Irving v. Penguin Books Limited and Deborah E. Lipstadt, [2000] EWHC QB 115.

33. Ibid, para. 13.141.

34. Ibid., para. 13.163. see also: Richard J. Evans, Telling Lies about Hitler: The Holocaust, History and the David Irving Trial, Verso, London, 2002, p. 198.

\*. Victory for truth

35. <http://www.hdot.org/ieindex.html> (آخرین بازبینی در ۲۶ مارس ۲۰۰۶).

منکران در محکمه را مورد انتقاد قرار داده و مدعی است این حق مسائل غیرقابل پیش‌بینی را در محکمه دامن زده و این تصور غلط را در پی دارد که منکران، شهید آزادی بیان شدند. محاکمه حاضر ما را به این واقعیت معطوف می‌کند که حقیقت به وسیله دلیل قابل اثبات می‌باشد. اما نباید از نظر دور داشت، همواره مسئله قابلیت تفسیر نسبی از حقیقت وجود خواهد داشت. همچنین برخی به مخالفت علیه جوی پرداخته‌اند که پست مدرنیته دغدغه ترویج آن را در سر دارد.

در واقع باید توجه داشت، این فضا جولان مناسبی در دست منکران وقایع تاریخی قرار می‌دهد تا به انکار این وقایع (حتی علی‌رغم وجود ادله معتبر) همت گمارند.<sup>۳۶</sup> در حالی که به اعتقاد پست مدرنیسم باید در جهت اقدام علیه رژیم‌های مطلق‌گرایی همچون نازی، قابلیت تفسیربرداری نسبی از حقیقت را ترویج نماییم.<sup>۳۷</sup>

با توجه به آنچه تاکنون مورد بازشکافی قرار گرفت، مفاهیم ذیل از چیستی و ماهیت حقیقت قابل استنباط می‌باشد:

۱- حقیقت موضوعی اجتماعی است و سازوکارهای اجرایی می‌توانند آن را به وجود آورند. برای مثال می‌توان به پروژه «نوشتن تاریخ برون‌دی» اشاره نمود که با هدایت یونسکو انجام شد. هدف پروژه این بود که تاریخ برون‌دی از ابتدا تا سال ۲۰۰۰ به صورت علمی و رسمی و مطابق با واقع به رشته تحریر درآورده شود به نحوی که تمامی برون‌دیایی‌ها تفسیر یکسان از آن داشته باشند.<sup>۳۸</sup>

---

36. Steven Aschheim, *Culture and Catastrophe*, Macmillan, Basingstoke, 1996, pp. 13 and 193.

37. Dan Stone, *Constructing the Holocaust: A study in Historiography*, Vallentine Mitchell, London and Portland, 2003, p. 16.

۳۸. در واقع پروژه مذکور منبعث از کنفرانس تاریخ برون‌دی بود که با حضور یونسکو و مشارکت کارشناس برون‌دیایی از طیف‌های مختلف سیاسی برگزار شد. این پروژه همچنین ملهم از توافق آروشا (Arusha Agreement) بود. ماده ۱ پروتکل اول از توافق مذکور سرآغاز اصول و اقداماتی است که توافق و سازش ملی را در پی خواهد داشت. همچنین بخش (ت) از پاراگراف اول این توافق صراحت دارد بر اینکه علاوه بر ایجاد سازش ملی، کمیسیون همچنین مسئولیت شفاف‌سازی تاریخ کامل برون‌دی را عهده‌داری می‌کند و تا حد ممکن باید به گذشته‌های دور برون‌دی برگردد تا به برون‌دیایی‌ها در شناخت گذشته تاریخی‌شان مدد رساند. شفاف‌سازی فوق، مستلزم آن است که تاریخ برون‌دی به نحوی انشاء شود که تمامی برون‌دیایی‌ها تفسیری یکسان از آن داشته باشند. وظیفه فوق

- ۲- حقیقت به وسیله ادله، قابل اثبات و یا حداقل قابل تأیید می‌باشد.<sup>۳۹</sup>
- ۳- گاهی بیانیه‌های رسمی و یا محاکماتی که به حقیقت‌یابی پیرامون وقایع گذشته می‌پردازند، منتهی به ظهور حقیقت می‌شوند.
- ۴- با استناد به حقیقت، تنها آنچه که در عالم واقع اتفاق افتاده است، اظهار خواهد شد (و این البته متضمن حسن نیت است و با استناد به حقیقت بیش از آنچه که نتیجه رسیدگی مهم باشد، رسیدگی صحیح به جرایم حائز اهمیت خواهد بود).<sup>۴۰</sup>
- ۵- همچون یک بیانیه که در اشکال مختلف نمود می‌یابد، حقیقت نیز به طرق سمعی، بصری، موسیقایی، هنری و ... قابلیت ظهور دارد.
- ۶- حقیقت در تناسب با نیازهای موجود و نتایج آنهاست.
- ۷- شرح‌های مختلف از حقیقت و یا حقایق مختلف، همگی قابلیت اثبات خواهند داشت. (برای مثال می‌توان به گزارش کمیسیون حقیقت و سازش آفریقایی جنوبی اشاره نمود. در این گزارش ۴ نوع مختلف از حقیقت تحت رسیدگی قرار گرفتند:
  - ۱- حقایق دادگاهی و واقعی
  - ۲- حقایق داستانی و شخصی

---

بین ۵۰ نویسنده تقسیم شد که مرکب بودند از برون‌دیایی‌ها، خارجی‌ان و کارشناسان تاریخی، جغرافیا، انسان‌شناسی و زبان‌شناسی. درواقع هدف اصلی پروژه این بود که به عنوان ابزاری آموزشی در مدارس ابتدایی و راهنمایی و به مثابه کتابچه‌ای تاریخی توسط طیف گسترده‌ای از مردم مورد استفاده قرار گیرد. نگاه کنید به: Report of the assessment mission on the establishment of an international judicial commission of inquiry for Burundi, s/2005/158, 11 Marhc 2005.

۳۹. معذک باید توجه داشت اگر با حقیقتی مواجه شدیم که قابلیت اثبات توسط ادله را ندارد؛ این را می‌توان به مثابه مسئله‌ای در نظر گرفت که ناشی از مشکلات عملی است نه اینکه فی‌النفسه یک مسئله باشد. لذا نمی‌توان برای این مشخصه از حقیقت، در عمل اهمیت قائل شد، لیکن در هر حال می‌تواند به عنوان یک راهنما در شناخت حقیقت، مطمح توجه قرار گیرد.

۴۰. نگاه کنید به: Juan E. Mendez, The Right to Truth, in Christopher C. Joyner Ced. Proceedings of the Siracusa Conference 17-21 September 1998, st, Agnes, Eres 1998, p. 264. جلوگیری از بی‌کیفری برای جرایم بین‌المللی و تخلفات فاحش حقوق بنیادین بشر: the Siracusa Conference 17-21 September 1998, st, Agnes, Eres 1998, p. 264. مسئول، باید با حسن نیت و با امعان نظر به حق بر حقیقت، این واقعیت را بپذیرد که نمی‌توان الزاماً همه اطلاعات مورد نیاز دارندگان این حق را فراهم نماید.

۳- حقایق اجتماعی

۴- حقایق اصلاح کننده

### حق بر حقیقت در حقوق بین الملل

در اسناد حقوقی جهانی، حقی به نام حق بر حقیقت وجود ندارد، لیکن با استناد به حقوق عرفی و اصول کلی حقوقی می توان قائل به این شد که حق بر حقیقت یک حق به شمار می رود.<sup>۴۱</sup>

### حق بر حقیقت به مثابه یک حق عرفی

شناسایی این حق به عنوان حقی عرفی دشواری هایی را در پی خواهد داشت. از این حیث، اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری (ICJ) عرف را اینگونه توضیح می دهد: عرف بین المللی به منزله دلیل یک رویه عام است که همچون قاعده حقوقی پذیرفته شده است.<sup>۴۲</sup> به اعتقاد پروفیسور مرون\* تحقیق راجع به یک حق عرفی بشری باید اولاً متضمن تعیین تعریف این قاعده (که ادعا می شود وضعیت عرفی حقوقی دارد) بوده و ثانیاً دامنه شمول آن را (که ادعا می شود در سطحی گسترده مورد قبول واقع شده) معین نماید،<sup>۴۳</sup> باید توجه داشت، تعریف و دامنه شمول حق بر حقیقت هنوز مورد اختلاف است. منصرف از این بعد آشکار حق بر حقیقت که در حقوق بین المللی بشر دوستانه منعکس شده و به موجب آن، خانواده قربانیان باید از سرنوشت قربانیان مفقودالاثر آگاهی حاصل نمایند، لیکن دیگر ابعاد تعریف این حق نامشخص می باشد. در عین حال تعدادی از نهادهای بین المللی و دادگاه های ملی و منطقه ای، حق موصوف را مورد شناسایی قرار داده اند، علاوه بر آن در تعدادی از نظام های قانونگذاری ملی اسناد کمیسیون های حقیقت و سازش به عنوان اصلی

۴۱. نگاه کنید به ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری.

۴۲. قسمت ب بند ۱، ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری.

\*. Meron

43. Theodor Meron, Human Rights and Humanitarian Law as Customary Law, Clarendon Press, Oxford, 1989, p. 93.

راهنما مورد پذیرش واقع شده است. همچنین، برخی از کارشناسان حقوقی این حق را حقی عرفی می‌دانند.<sup>۴۴</sup> لیکن باید به مطالعه بیشتر در منابع فوق پرداخت تا مشخص گردد ارکان مذکور چگونه این حق را مورد شناسایی قرار داده و چه دامنه شمولی برای آن قائل هستند. پروفیسور مرون، با رجوع به رویه دولت‌ها (عنصر مادی تشکیل عرف) و اعتقاد به الزامی بودن رویه مذکور (عنصر معنوی تشکیل عرف)، شاخص‌هایی را ارائه داده که در شناسایی حق بشری عرفی مورد توجه قرار می‌گیرد:<sup>۴۵</sup>

---

۴۴. نگاه کنید به: هشتمین گزارش سالیانه ال دسپوی (L. Despouy)، گزارشگر ویژه وضعیت‌های فوق‌العاده اظهار داشته است: برطبق نتایج و یافته‌های کارشناسان، حق بر حقیقت، تبدیل به قاعده حقوق بین‌الملل عرفی شده است.

مذکور در Mendez,؛ جهت مطالعه بیشتر نگاه کنید به UN Doc.E/CN.4/sub.2/1995/29 corr.1. p. 26. fn.9. فوق، نکته ۳۶.

۴۵. نگاه کنید به: بخش ۷۰۱ از سومین اعلامیه قانون روابط خارجی ایالات متحده مصوب ۱۹۸۷، این بخش اشعار می‌دارد: رویه‌ای که جهت تأسیس قانون حقوق بشری با ویژگی عرفی، مورد پذیرش واقع شده است مشتمل بر اقدامات ذیل است: حمایت واقعی و جهانی از منشور ملل متحد و مفاد حقوق بشری آن، پذیرش واقعی، جهانی و مکرر اعلامیه جهانی حقوق بشر (حتی اگر این پذیرش تنها متوجه موازین اعلامیه باشد)، مشارکت جهانی و واقعی دولت‌ها در تدوین و پذیرش توافق بین‌المللی جهت شناسایی موازین حقوق بشر در کل، یا حقوق خاص، قبول موازین حقوق بشری توسط دولت‌های تشکیل دهنده سازمان‌های منطقه‌ای اروپایی، آمریکای لاتین، آفریقایی و ... حمایت عام دولت‌ها از قطعنامه‌های سازمان ملل متحد: قطعنامه‌هایی که اعلام و مورد شناسایی قرار گرفته و از دولت‌ها خواسته شده، آنها را مورد شناسایی قرار دهند، اجرایی نمودن موازین حقوق بشر به مثابه حقوقی بین‌المللی، منطبق نمودن حقوق ملی با استانداردها و موازین که ارکان بین‌المللی آنها را اعلام نموده‌اند و ادغام مفاد حقوق بشری (مستقیم یا غیرمستقیم) در حقوق و قانون اساسی ملی، همسو نمودن خط مشی ملی، رویه دیپلماتیک، اعمال و فعالیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و دیگر اعمال و ارتباطات دیپلماتیک با موازین حقوق بشری توسط دولت‌ها، زیرا برخی رویه‌ها به نقض قواعد حقوق بشر بین‌المللی منتهی می‌شود، و این همسو نمودن منجمله مشتمل بر محکومیت و دیگر عکس‌العمل‌های مخالف با نقض حقوق بشر توسط دیگر دولت‌ها خواهد بود. دیوان بین‌المللی دادگستری و کمیسیون حقوق بشر، وجود قانون حقوق بشری عرفی را مورد شناسایی قرار داده‌اند، برخی از رویه‌های فوق، از این نتیجه‌گیری پشتیبانی می‌کند که حقوق بشر خاصی که جذب حقوق بین‌المللی شده است، اصول کلی و عامی است که در تمام نظام‌های بزرگ حقوقی یافت می‌شود.

۱- حق خاصی که در سندی حقوق بشری وجود دارد (و به طور خاص یک معاهده حقوق بشری) در دیگر اسناد حقوق بشر تکرار شده است.

۲- حق عرفی مذکور در رویه ملی نمود یافته باشد و اساساً در قوانین ملی آنها دیده شود.<sup>۴۶</sup> در حالیکه هیچ یک از معاهدات حقوق بشری آشکارا به تفصیل حق موصوف نپرداخته‌اند. از این دیدگاه بند ۲ ماده ۲۴ پیش‌نویس کنوانسیون بین‌المللی حمایت از تمامی اشخاص در مقابل ناپدیدشدگی اجباری (مصوب جلسه بین‌الاجلاسی ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۵ گروه کاری کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد) نزدیک‌ترین ماده به حق بر حقیقت محسوب می‌شود. به موجب ماده مذکور، قربانی این حق را دارد که اطلاعات راجع به شرایط ناپدیدشدگی اجباری، نتایج رسیدگی و پیشرفت‌های حاصله در رسیدگی و سرنوشت ناپدید شده، به آگاهی وی برسد.<sup>۴۷</sup> همان‌طور که در مباحث قبلی ذکر شد، غیر از ماده مذکور، ماده ۳۲ پروتکل اول الحاقی صراحت بر حق مطلع شدن از سرنوشت بستگان خود، در طول مخاصمات مسلحانه بین‌المللی دارد.

تجزیه و تحلیل حقوق بین‌المللی بشر دوستانه عرفی به وسیله کمیته بین‌المللی صلیب سرخ مبین این واقعیت است که قاعده مذکور، قاعده حقوق عرفی بوده که در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی قابل اجرا می‌باشد.<sup>۴۸</sup>

چرخه انتقال این حق از حقوق بین‌المللی بشردوستانه به سمت قانون حقوق بشر، وارد گردشی کامل شده است؛ به این معنا که برای مثال از سال ۱۹۷۴، تعدادی از قطعه‌نامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد به موضوع حق خانواده اشخاص مفقودالاثر یا ناپدیدشدگان اجباری اختصاص یافته است و این حق را (یعنی نیاز به مطلع شدن) در زمره نیازهای مبنایی انسان به شمار آورده و از دیگر سو تکمیل ماده ۳۲ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو را تشویق نموده‌اند.<sup>۴۹</sup> در عین حال سازوکارهای حقوق بشری (چون

---

46. Meron, p. 99, مذکور در فوق نکته ۳۹

47. UN Doc. E/CN.4/2005/WG.22/WP.1/REV. 4, Art. 24 (2).

48. Rule 117 in Customary International Humanitarian Law, Volume I, Rules, ICRC, Cambridge University Press, 2005, p. 421.

49. See resolutions of the General Assembly: 3220 (XXIX) of 6 November 1974, 33/173 of 20 December 1978, 35/193 of 15 December 1980, 36/163 of 16 December 1981, 37/180 of 17 December 1982, 38/94 of 16 December 1983, 39/111 of 14 December 1984, 40/147 of 13 December 1985, 41/145 of 4 December 1986, 42/142 of



گروه کاری موقت مربوط به وضعیت حقوق بشر در شیلی، گروه کاری سازمان ملل مربوط به ناپدیدشدگی اجباری و کمیسیون آمریکایی حقوق بشر) قطعنامه‌های فوق را به عنوان راهنما مورد استفاده قرار داده‌اند تا با توسل بدان، جایگاه حق بر حقیقت را در ارتباط با جرایم مربوط به ناپدید شدگی اجباری<sup>۵۰</sup> و دیگر تخلفات حقوق بشری ارتقاء دهند.<sup>۵۱</sup> با این وجود، معاهدات حقوق بشری صریحاً هیچ ماده‌ای را به تعهد دولت‌ها در فراهم نمودن اطلاعات مورد نیاز قربانیان تخلفات شدید حقوق بشری اختصاص نداده‌اند.

علی‌رغم وجود مانع فوق (عدم تکرار در اسناد متعدد) بر سر راه شناسایی عرفی حق بر حقیقت، می‌توان حق مذکور را از تعدادی معاهدات حقوق بشری استنباط نمود. در همین خصوص کمیته حقوق بشر (HRC) - سازوکار نظارتی بر اجرای مفاد میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، حق بر آگاهی را از جمله راههایی به شمار آورده است که به شکنجه روانی خانواده قربانیان ناپدیدشدگی اجباری خاتمه داده و یا از آن پیشگیری به عمل می‌آورد<sup>۵۲</sup> و همین اثر را درخصوص اعدام‌های خودسرانه خواهد داشت.<sup>۵۳</sup> در عین حال کمیته حقوق بشر، حق مذکور را راهی مناسب جهت اجرای تعهد دولت‌ها به جبران خسارات

---

7 December 1987, 43/159 of 8 December 1988, 44/160 of 15 December 1989, 45/165 of 18 December 1990, 46/125 of 17 December 1991 and 47/132 of 18 December 1992.

50. "First Report of the Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances to the Commission on Human Rights", UN Doc. E/CN. 4/1435 22 January 1981, Para. 187 and Annual Report of the Inter American Commission of Human Rights, 1985-1986, OEA/Ser.L/V/II.68.Doc. 8 rev 1, 28 September 1986, p. 205.

51. Inter-American Commission, Report No. 136/99, of 22 December 1999, Case of Ignacio Ellacria et al. para 221.

52. See: The explanation by Mr Bertil Wennergen, member of the Human Rights Committee, in his Individual Opinion in the Cases: R.A.V.A.N. et al. (Argentina), communication Nos. 343, 344 and 345/ 1988, Decision of inadmissibility of 26 March 1990, UN Doc. CCPR/C/38/D/343/1988 (Appendix); S.E. (Argentina), communication No. 275/1988, Decision of inadmissibility of 26 March 1990, UN Doc. CCPR/C/38/D/275/1988 (Appendix); See also; Views of 16 July 2003, Sarma. Sri Lanka Case, Communication No 950/ 2000, UN Doc. CCPR/C/77/d/887/1999, para. 9.5; "Concluding observations of the Human Rights Committee: Algeria", UN Doc, CCPR/C/79/Add.95, of 18 August 1998, para. 10; and "Concluding observations of the Human Rights Committee: Uruguay", UN Doc. CCPR/C/79/Add. 90, of 8 April 1998, para. C.

53. Views of 3 April 2003, Case of Lyashkevich v. Belarus, Communication No 887/1999, UN Doc. CCPR/C/77/D/950/2000, para. 9.2.

قربانیان می‌شناسد و تصریح می‌نماید اطلاعاتی راجع به تخلفات ارتكابی یا اشخاص مفقودالاثری که جان خود را از دست داده و نیز محل دفن آنها را فراهم نمایند.<sup>۵۴</sup> همچنین حق مطلع شدن از حقیقت در مبحث حمایت از خانواده در ماده ۲۳ میثاق مورد شناسایی قرار گرفته است. علاوه بر میثاق، این حق، در ماده ۸ کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) که مربوط به حق کودک به برخورداری از هویت (شامل داشتن تابعیت، نام و روابط خانوادگی) می‌باشد و در ماده ۹، که مربوط به حق کودک به زندگی کنار والدین است و دیگر مفاد کنوانسیون به رسمیت شناخته شده است.<sup>۵۵</sup> رجوع به رویه سازوکارهای حقوق بشری در سطح منطقه‌ای مؤید پذیرش حق مذکور است.

برای مثال؛ رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، حق بر حقیقت را بخشی از حق رهایی از شکنجه و بدرفتاری، جبران خسارات مقتضی، تحقیق و رسیدگی مؤثر و آگاهی از نتایج تحقیق می‌داند.<sup>۵۶</sup> با استناد به رأی دیوان، کوتاهی دولت در انجام تحقیقات مؤثر جهت روشن نمودن (تقریبی) سرنوشت اشخاصی که در شرایط فوق‌العاده و سخت ناپدید شده‌اند، تشکیل‌دهنده نقض مستمر تعهدات مربوط به دادرسی است که منجمله حمایت از حق حیات (مقرر در ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر) را عهده‌داری می‌نماید.<sup>۵۷</sup> همچنین منشور حقوق بشر و مردم آفریقا در رویه خود رویکردی مشابه با دیوان اروپایی حقوق بشر دارد.<sup>۵۸</sup>

---

54. Ibid., Para. 11; View adopted on 30 March 2005, Khalilova V., Tajikistan Case, Communication No. 973/2001, UN Doc. CCPR/C/83/D/973/2001; and views adopted on 16 November 2005, Valichon Aliboev. V. Tajikistan case, Communication No. 985/2001, UN Doc. CCPR/C/85/D/985/2001.

55. UN.Doc.E/CN.4/Sub.2/991/20, Annex I, P. 45.

56. See also, Judgment of 25 May 1998, Kurt v. Turkey, Applications No. 24276/94; Judgment of 14 November 2000, Tax v. Turkey, Application No. 24396/94; and Judgment of 10 May 2001, Cyprus v. Turkey Application No. 25781/94.

57. Judgment of 10 May 2001, Cyprus v. Turkey, Application No. 25781/93; see also; Judgment of 18-12-1996, Aksoy v. Turkey, Application No. 21987/93; and Judgment of 28 March 2000, Kaya v. Turkey, Application No. 22535/93.

همچنین دولت‌های غیر عضو را می‌توان مسئول شناخت:

Tanrikulu v. Turkey, 1999-IV Eur. Ct.H.R. 459 (1999).

58. Amnesty International vs, Sudan case, Communication No. 48/90, 50/91, 52/91, 89/93 (1999), para. 54. See; 19(3) of the African Charter on the Rights and Welfare of the Child.

با استناد به اصول راهنمای کمیسیون درخصوص حق دادرسی عادلانه و مساعدت قانونی در آفریقا<sup>۵۹</sup>، حق بر حقیقت جزئی از حق جبران خسارات مؤثر محسوب می‌شود.<sup>۶۰</sup> کمیسیون آمریکایی حقوق بشر نیز با استناد به بند ۱ ماده ۹ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر حق مطلع شدن از حقیقت را به مثابه نوعی از جبران خسارات مستقیم به شمار می‌آورد. بند ۱ ماده ۹ صراحت دارد بر اینکه: دولت‌های عضو موظف هستند، بهره‌مندی آزاد و کامل از حقوق مندرج در کنوانسیون را تضمین نمایند.<sup>۶۱</sup>

به اعتقاد کمیسیون، تضمین حقوق مندرج در کنوانسیون مستلزم آن خواهد بود که تخلفات ارتكابی گذشته به آگاهی افراد برسد. لذا حق مطلع شدن از حقیقت واجد دو جنبه فردی (حق قربانی و اعضای خانواده وی) و جمعی است.<sup>۶۲</sup> معذک کمیسیون آمریکایی حق بر حقیقت را مرتبط با دیگر تعهدات مندرج در کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، نظیر رهایی از شکنجه و اعدام‌های خودسرانه به شمار می‌آورد<sup>۶۳</sup> و همین ارتباط را در رابطه با حقوقی چون مراجعه آسان و فوری به مراجع ذی‌صلاح جهت بهره‌مندی از حقوق مندرج در کنوانسیون (ماده ۲۵) قائل است. مفاد اخیر، به عنوان مبنایی است که با توسل بدان حق بر حقیقت در دو بعد فردی و جمعی قابل استنباط می‌باشد.<sup>۶۴</sup> همچنین دیوان آمریکایی حقوق بشر حق بستگان ناپدیدشدگان اجباری را بر مطلع شدن از سرنوشت قربانیان به رسمیت شناخته<sup>۶۵</sup> و در عین حال حق قربانیان و نزدیکان آنها بر شفاف‌سازی تخلفات ارتكابی و

---

59. African Union Doc. DOC/OS(XXX)247).

۶۰. اصل (c) صراحت دارد بر اینکه حق جبران خسارات مقتضی شامل ... ۳- حق دسترسی به اطلاعات واقعی راجع به تخلفات می‌باشد.

61. Inter-American commission, Report No. 136/99, of 22 December 1999, Case of Ignacia Ellacria et al. v. El Salvador, para. 221.

62. See; Annual Report of the Inter-American Court of Human Rights, 1985-1986, OEA/Ser.L/V/II. 68, Doc. 8 rev 1, of 28 September 1986, p. 205; Annual Report of the Inter-American Court of Human Rights 1987-1988, OEA/Ser.L/V/II. 74, Doc. 10 rev 1, of 16 September 1988, p. 359.

63. Inter American Commission, Report No. 136/99, of 22 December 1999, Case of Ignacio Ellacria et al. v. El Salvador, para 221.

64. Ibid., para 255, Report 1/99 of 27 January 1999, Lucio Parada et al. v. El Salvador, para. 153.

65. Inter- American Court of Human Rights Judgement of 29 July 1988, Velasques Rodriguez case, in Series C: Decisions and Judgments, No. 4, para. 181, p. 75; Inter-American Court of Human Rights, Judgment of 20 January 1989, Godinez Cruz case,

مسئولیت‌های ناشی از آن را مورد شناسایی قرار داده است. این مسئولیت متوجه نهادهای ذی‌صلاح دولتی است که باید از طریق رسیدگی و پیگرد کیفری، مطابق ماده ۸ (شامل حق دادخواهی توسط دادگاه بی‌طرف، مستقل و ذی‌صلاح) و ماده ۲۵ (حق بر جبران خسارات مقتضی و برخورداری از حمایت قضایی) کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، بدان جامه عمل پوشانند.<sup>۶۶</sup>

با استناد به رأی دیوان مذکور، حق بر حقیقت محدود به مطلع شدن از وضعیت ناپدید شدگی اجباری نبوده بلکه در هر نوعی از تخلفات فاحش حقوق بشری صادق خواهد بود.<sup>۶۷</sup> با ابتدا بر مفاد فوق، سوال این است، آیا استناد مکرر به حق آگاهی یافتن از اطلاعات راجع به تخلفات شدید حقوق بشری، به حمایت از حقوق مندرج در معاهدات منتهی شده، لذا شرط اول مرون (تکرار مکرر حق در اسناد متعدد جزء عناصر ضروری تشکیل یک حق عرفی است) را تأمین خواهد کرد؟ یا اینکه، ما تنها با توسل به حق بر حقیقت ابزاری تفسیری را توسط دادگاه‌ها و نهادهای حقوق بشری به کمک گرفته‌ایم تا صرفاً به تقویت حقوق مندرج در اسناد و شرح جزئیات آنها رهنمون شویم؟

رجوع به دیگر رویه‌های بین‌المللی نظیر قطعنامه‌های مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل، در شناخت عرفی بودن حق بر حقیقت مثمر ثمر خواهد بود. از این حیث، قطعنامه‌های شورای امنیت مکرراً بر یافتن حقیقت<sup>۶۸</sup> توسط کمیسیون‌های حقیقت یا تأسیس کمیسیون‌های تحقیق تأکید دارند زیرا در نگاه شورا، حقیقت‌یابی، به تحکیم صلح و

---

in Series C: Decisions and Judgments, No. 5; Judgment of 3 November 1997 Castillo Paez case; Judgment of 24 January 1998, Blake Case; and Judgment of 25 November 2000, Bamaca Case.

66. Inter-American Court of Human Rights, Judgment of 24 January 1998, Blake Case, para.97 and Judgment of 25 November 2000, Bamaca Case, Para 201.

67. Judgment of 14 March 2000, Barrios Altos Case, para. 48.

۶۸- نگاه کنید به: اظهارات مادلین آلبرایت نماینده ایالات متحده در سازمان ملل متحد. با استناد به

سخنان وی که حین تدوین قطعنامه شماره ۸۲۷ شورای امنیت مطرح شد: حقیقت زیربنای حکومت قانون به شمار می‌رود و درواقع به عنوان جبران خسارات جرایم جنگی برای قربانیان بوده و می‌تواند نابردباری‌های مذهبی و نژادی را از بین برده و سرآغاز فرایندهای اصلاح به شمار آید. Provisional Verbat Record of the 3217 th meeting, 25 may 1993, SC Doc.s/pv3217

سازش و اقدام علیه بی‌کیفری کمک خواهد نمود.<sup>۶۹</sup> همچنین مجمع عمومی در قطعنامه‌های خود ضمن تأکید بر ارتباط فوق از نهادهای تحقیق می‌خواهد تخلفات شدید حقوق بشری را مورد رسیدگی قرار داده و نتایج رسیدگی‌های خود را به اطلاع همگان برسانند.<sup>۷۰</sup> علاوه بر نهادهای فوق، دبیر کل سازمان ملل در بیانیه‌های عمومی خود اشاره به حق بر حقیقت برای قربانیان نموده است.<sup>۷۱</sup> کمیساریای عالی حقوق بشر نیز بر بهرمندی جامعه و قربانیان از حق مذکور تأکید دارد.<sup>۷۲</sup> در همین خصوص، تعدادی از گزارش‌های دبیرکل یا گزارش‌هایی که توسط کمیسیونهای تحت سرپرستی وی، تقدیم شده‌اند، حقیقت را به عنوان مبنایی جهت ایجاد سازش و توافق به شمار آورده‌اند.<sup>۷۳</sup>

---

69. See also; SC Res 1606 (2005) on Burundi, preambular paras. 2 and 7; SC Res. 1593 (2005) on Darfur, Sudan, para.5; SC Res. 1468 (2003) on the Democratic Republic of Congo, para 5; SC Res. 1012 (1995) on Burundi, preambular para. 8; SC Res. 935 (1994) on Rwanda; and SC Res. 780 (1992) on the former Yugoslavia.

70. See: 57/105 (2003) on East Timor, Para. 12; GA Res.57/105 (2003) on Guatemala, Para. 17; GA Res. 55/118 (2001) on Haiti, Para. 7; GA Res. 53/187 (2000) on Haiti, Para. 8, GA Res. 48/149 (1993) on El Salvador, Para. 4; GA Res. 42/147 (1987) on Chile, Para. 10; GA Res.40/145 (1985) on Chile, Para. 6; GA Res. 35/188 (1980) on Chile, Paras. 6-8; GA Res. 34/179 (1979) on Chile, GA Res. 33/172 (1978) on Cyprus, Para. 1; GA Res. 32/128 (1977) on Cyprus, Para. 1; GA Res. 32/118 (1977) on Chile, Para. 6; GA Res. 3450 (xxx) on Cyprus, Preambular Para. 5 and Para. 1; GA Res. 3448 (xxx) on Chile, Para. 2.

۷۱. نگاه کنید به: گزارش مطبوعاتی شماره SG/SM/9400، تحت عنوان: «درخواست دبیرکل برای احترام به آتش‌بس مقرر در مذاکرات علنی صلح کلمبیا، مورخ ۱ جولای ۲۰۰۴»، دبیر کل مؤکداً خطر نشان می‌شود، به باور من، حق قربانیان بر حقیقت، عدالت و جبران خسارت باید کاملاً مورد احترام قرار گیرد.

۷۲. با استناد به بیانیه مری رابینسون، کمیساریای عالی حقوق بشر در پنجاه و پنجمین کنفرانس سالانه DPI/NGO بازسازی جوامعی که از مخاصمات خلاص شده‌اند، مسئولیتی مشترک است. همچنین با استناد به سخنان مورخ ۹ سپتامبر ۲۰۰۲ وی (که راجع به سازوکارهایی نظیر TRC بود) باید حق ملت‌ها را در اطلاع یافتن از حقایق راجع به حوادث گذشته محترم شمرد و بهره‌مندی کامل و مؤثر از حق بر حقیقت، که از وقوع مکرر تخلفات جلوگیری به عمل می‌آورد، ضروری خواهد بود.

73. "Report of the assessment mission on the establishment judicial commission of inquiry of Burundi", S/2005/158, 11 March 2005; Report of the International Commission of Inquiry on Darfur to the Secretary – General., S/2005/60, 1 February 2005, para. 617; "Report of the International Commission of

در عین حال دبیر کل، ضرورت داشتن حقیقت را در پرونده‌هایی مورد تأکید قرار داده که سازمان ملل در حمایت از آنها در مقابل تخلفات شدید حقوق بشری ناکام مانده است. (برای مثال دبیرکل در طول سال ۱۹۹۴ و در قضیه نسل‌کشی، نهادهای تحقیق و رسیدگی مستقلی را در کنار دیگر اقدامات سازمان ملل متحد تأسیس نمود، لیکن با عدم موفقیت مواجه شد).<sup>۷۴</sup>

علاوه بر اقدامات فوق، مجمع عمومی از دبیر کل درخواست نموده است تا گزارش جامع مربوط به شکست سربرنیکا و کوتاهی در پیشبرد مؤثر «سیاست حوزه امان»<sup>\*</sup> فراهم نماید.<sup>۷۵</sup>

بیشترین تأکید صریح حق بر حقیقت در مطالعات کارشناسی مستقل بی‌کیفری کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، لوئیس جوینت، به چشم می‌خورد. وی در گزارش نهایی سال ۱۹۹۷ حق بر حقیقت را به مثابه حقی لاینفک بشری مورد شناسایی قرار داده است: «حق مطلع شدن از حقیقت راجع به حوادث گذشته و شرایط و دلایلی که منتهی به ارتکاب چنین جرایم استثنایی از کانال تخلفات شدید حقوق بشری شده در زمره حقوق غیرقابل انتقال و لاینفک هر فرد انسانی است». و بهره‌مندی مؤثر و کامل از این حق جهت جلوگیری از وقوع مجدد اعمال مشابه در آینده ضروری می‌باشد.<sup>۷۶</sup> به اعتقاد وی، حق مذکور هم به قربانیان و خانواده‌های آنها تعلق دارد و هم به مثابه یک حق جمعی درخور توجه است. حق بر حقیقت به مثابه حق جمعی، متضمن تعهد یادآوری می‌باشد؛ در واقع به این معنی که مسلح شدن علیه تحریفات تاریخی که به نام اصلاح تاریخ یا انکار تاریخ ستم و

---

Inquiry on East Timor to the Secretary-General", January 2000, UN Doc. A/54/726, S/2000/59, 31 January 2000, para. 146.

74. "Report of the Independent Inquiry into the Actions of the United Nations during the 1994 genocide in Rwanda", UN Doc. S/1999/1257, 16 December 1999.

\*. Safe area policy

۷۵. با استناد به گزارش دبیر کل متعاقب قطعنامه ۵۳/۳۵ مجمع عمومی؛ من امیدوارم که شناسایی یا شفاف‌سازی گزارش راجع به شکست سربرنیکا (که در کتب، مقالات بین‌المللی و گزارش‌های خبری آمده است) به تدوین گزارش تاریخی این موضوع مدد رساند.

"The Fall of Srebrenica", UN Doc. A/54/549. 15 November 1999/ para 7.

76. "Question of the impunity of perpetrators of human rights violations (civil and political)", final report prepared by Mr Joint Pursuant to Sub-Commission decision 1996/119, UN Doc. E/CN.4/Sub.2/1997/20/Rev.1., Annex I, Principle 1.



فساد صورت‌دهی می‌شود، بخشی از میراث ملی افراد بوده و باید محترم نگه داشته شود.<sup>۷۷</sup> اخیراً این اصول توسط پروفیسور دین (که از سوی کمیسیون برای همین هدف منصوب شده)، اصلاح شده‌اند. اصول اصلاحی به بی‌کیفری اذعان دارند بر اینکه حق بر مطلع شدن از حقیقت مربوط به جرایم ارتكابی در زمره حقوق لاینفک فرد انسانی است.<sup>۷۸</sup> همچنین با استناد به اصول مذکور، حق قربانیان و خانواده‌های آنان به مطلع شدن از اوضاعی که مستعد ارتكاب تخلفات ارتكابی شده است، سرنوشت قربانیان، مرگ یا ناپدیدشدگی، حق غیرقابل اسقاط به شمار می‌رود.<sup>۷۹</sup> لذا این اصول، متضمن جنبه‌های مختلفی از حق بر حقیقت برای قربانیان، اعضای خانواده آنها و جامعه در کل می‌باشد. از منظر حق قربانیان و خانواده‌های آنها، حق مذکور مستلزم تعهد دولت‌ها در فراهم نمودن اطلاعات مربوط به سرنوشت قربانی و شرایطی است که مستعد ارتكاب تخلفات عمده حقوق بشری واقع گردید. اطلاعات مذکور می‌تواند منجمله مشتمل بر محل دفن قربانی باشد. از بعد حق جامعه، حق مذکور متضمن تعهد دولت‌ها به انتشار عمومی اطلاعات مربوط به شرایط و دلایلی است که منتهی به تخلفات فاحش و برنامه‌ریزی شده گردیده است.<sup>۸۰</sup> و همچنین مشتمل بر سلسله اقداماتی است که منجمله می‌تواند شامل اقدامات غیرقضایی باشد.<sup>۸۱</sup>

وجه دوسویه حق بر حقیقت، واجد اثری دوجانبه می‌باشد:

۱- در مبحث تخلفات انفرادی حقوق بشر: حق مذکور متضمن جبران خسارات فردی از پرونده‌هایی مشخص خواهد بود (منجمله شامل قربانیان و خانواده‌های آنها). این اثر در رویه قضایی نهادها و دادگاه‌های حقوق بشری قابل مشاهده می‌باشد. ۲- در مبحث تخلفات گسترده حقوق بشر: این حق شامل شرح موسع دلایل ارتكابی، برای جامعه در کل می‌باشد. با رجوع به رویه کمیسیون‌های حقیقت و تحقیق، قطعنامه‌های مجمع عمومی و شورای امنیت، می‌توان این اثر را بالعینه مشاهده نمود.

77. Ibid., Para. 17.

۷۸. بخش ۸، اصل (۲) اصول اصلاحی راجع به بی‌کیفری.

۷۹. همان، اصل ۴: «حق قربانیان بر مطلع شدن».

۸۰. همان، اصل ۲: «حق غیرقابل انتقال بر حقیقت».

۸۱. همان، اصل ۵: «تضمین بهره‌مندی مؤثر از حق مطلع شدن».



رجوع به رویه‌های خاص کمیته حقوق بشر، مبین این است که این نهاد به ارزش حقوقی حقیقت در وضع موازین خود به ویژه موازین راجع به جبران خسارات قربانیان تخلفات عمده حقوق بشر و بشردوستانه توجه شایسته داشته است.<sup>۸۲</sup>

بیانیه‌های عمومی نهادهای بین‌المللی، بدون توجه به رویه واقعی دولت‌ها، نمی‌توانند به عنوان دلیل وجود عرف تلقی شوند. در عین حال باید توجه نمود با لحاظ اعتبار جمعی بیانیه‌های مذکور که آنها را از حمایتی جمعی بهره‌مند می‌سازد؛ بعید است که دولت‌ها خیال مخالفت با بیانیه‌ها را در سر پرورانده و تبعات سیاسی چنین امتناعی را بر خود تحمیل نمایند.<sup>۸۳</sup>

در مورد دومین عنصر شاکله حق عرفی که مرون بر آن تأکید نمود، (یعنی انعکاس حق در رویه ملی) باید اظهار داشت، اولین و بارزترین مثال از رویه ملی، تأسیس کمیسیون‌های حقیقت در بیش از ۳۰ کشور واقع در مناطق مختلف جهان می‌باشد؛ مناطقی که در آن تخلفات فاحش حقوق بشری در سطحی گسترده ارتکاب می‌یابند. اما باید توجه نمود، گرچه این واقعیت می‌تواند به عنوان دلیل وجود رویه‌ای گسترده مطمئن توجه قرار گیرد لیکن سؤال اساسی مقاله حاضر این است که آیا تأسیس چنین سازوکارهایی ناشی از حس الزامی بودن جستجو و جمع‌آوری اطلاعات مربوط به حقیقت است؟ (عنصر معنوی عرف). اکثر اسناد مرتبط و کلیدی، اشاره بر این واقعیت دارند که مطلع نمودن قربانیان و بستگان آنها و جامعه، به تسریع فرایند جبران خسارات وارده منتهی خواهد شد. در عین حال این حق در امحاء بی‌کیفری مشارکت دارد، به تقویت و برقراری مجدد دموکراسی، حکومت قانون و اعتماد عمومی به مقامات ذی‌صلاح حکومتی منجر شده و از وقوع مجدد اعمال مشابه جلوگیری به عمل می‌آورد.<sup>۸۴</sup> نیز حق بر حقیقت در دو بعد فردی و جمعی، در دو سند راجع

---

۸۲. نگاه کنید به؛ اصل ۲۲ از اصول و خطوط راهنمایی مبنایی مربوط به حق جبران خسارات قربانیان تخلفات فاحش حقوق بشر و نقض شدید حقوق بشردوستانه. CHR Res, 2005/35, Annex, principle 22

83. Meron, ۴۲ فوق پاورقی ۴۲.

84. See; the Peace Agreement between the government of Sierra Leone and the Revolutionary United Front of Sierra Leone (Art. XXVI) and the Truth and Reconciliation Act 2000 of Sierra Leone (Art. 6); the Chilean Supreme Decree [Decreto Supermo] No. 355 of 25 April 1990, establishing the Truth and

به تأسیس کمیسیون‌های حقیقت یا دیگر سازوکارهای مشابه، به عنوان مبنایی قانونی منعکس شده است.<sup>۸۵</sup> دیگر اسناد کلیدی مرتبط، گرچه تأکید بر اهمیت آشکار شدن حقیقت مربوط به تخلفات عمده حقوق بشری دارند، لیکن بیش از آنچه بر تعهد دولت‌ها در ارائه حقیقت تأکید نمایند بر مفید بودن ثمرات حق مذکور در حصول به اهداف فوق اشاره دارند.<sup>۸۶</sup>

برای مثال، قانون مصوب ۱۲ می ۲۰۰۵ (که با ابتدای بر آن کمیسیون حقیقت و سازش لیبیا تأسیس شد) صراحت دارد بر اینکه توسل به گفتگوی بین ملت‌ها در راستای حصول به حقیقت تا حد زیادی به ارتقاء سازش، اصلاح ملی و پرهیز از مخاصمه منتهی خواهد شد.<sup>۸۷</sup> در قضیه لیبیا تعهد حقوقی راجع به تأسیس سازوکارهای حقیقت‌یابی، درواقع منبعث

---

Reconciliation Commission; El-Salvador: Mexico Peace Agreements – Provisions Creating the Commission on Truth, Mexico City, 27 April 1991; German Law No. 12/2597 of 4 May 1992, establishing the Commission of Inquiry on "Working through the History and the Consequences of the SED Dictatorship"; The Terms of Reference for the commission of Truth and Friendship of Timor-Leste, of 10 March 2005; The National Reconciliation Commission Act of Ghana, 2002; and South Africa's Promotion of National Unity and Reconciliation Act No. 34 of 1995. See also Priscilla Hayner Unspeakable Truths: Confronting State Terror and Atrocity, Routledge, New York, 2001.

۸۵. پاراگراف ۴ مقدماتی حکم عالی پرو، شماره ۲۰۰۱ - ۰۶۵ مصوب ۲ ژوئن ۲۰۰۱، صراحت دارد بر توافق راجع به تأسیس کمیسیونی که به روشن نمودن تخلفات گذشته حقوق بشری علیه گواتمالایی‌ها بپردازد. در همین خصوص رجوع شود به پاراگراف دوم مقدماتی حکم عالی مورخ ۲۳ ژوئن ۱۹۹۴. ۸۶. نگاه کنید به مصوبه قانونی اوگاندا (که منتهی به تدوین کمیسیون تحقیق راجع به تخلفات حقوق بشری شد (قانون کمیسیون تحقیق) مصوبه قانونی شماره ۵ مورخ ۱۲ می ۱۹۹۲. به موجب مصوبه مذکور، جهت جلوگیری از وقوع تخلفات عمده حقوق بشری، لازم است که به تحقیق پیرامون چرایی ارتکاب آنها و راه‌های پیشگیری پرداخته شود. همچنین قانون ارتقاء سازش و وحدت ملی آفریقای جنوبی مصوب ۱۹۹۵ و قانون ۳۴ - ۹۵ مصوب ۲۶ جولای ۱۹۹۵ در پاراگراف ۳ خود صراحت دارند بر اینکه ارائه حقیقت راجع به حوادث گذشته، انگیزه‌های ارتکاب آنها و شرایطی که مستعد ارتکاب تخلفات عمده حقوق بشری واقع شد، ضروری بوده و یافته‌های ناشی از آن به جلوگیری از وقوع اعمال مشابه در آینده منتهی خواهد شد.

۸۷. پاراگراف ۸ مقدماتی از قانون تأسیس کمیسیون حقیقت و سازش (TRC)، لیبیا، مصوب ۱۲ می ۲۰۰۵ مجمع انتقالی قانونگذاری ملی که در تاریخ ۱۰ ژوئن ۲۰۰۵ به تصویب نهایی حکومت انتقال ملی رسید.

از ماده ۸ توافق جامع صلح مورخ ۱۸ آگوست ۲۰۰۳ بود.<sup>۸۸</sup> همچنین بسیاری از دولت‌ها متعهد به تأسیس کمیسیون‌های حقیقت و سازش یا سازوکارهای مشابه شده‌اند،<sup>۸۹</sup> تعهد فوق، که تعهدی مبتنی بر صلح است می‌تواند فی‌نفسه، به منزله دلیل حاکی از پذیرش حق بر حقیقت در رویه دولت‌ها (و به ویژه در شرایط مربوط به تخلفات عمده) باشد. هرچند تصمیم‌گیری راجع به تأسیس کمیسیون‌های حقیقت در سطح ملی می‌تواند مسئله‌برانگیز باشد، لیکن موازین جهانی (همچون اصول اصلاحی راجع به بی‌کیفیری) دولت‌ها را ملزم می‌نماید به حراست از اسنادی پیردازند که بهره‌مندی جوامع از حق مطلع شدن از حقیقت را تأیید می‌کند.<sup>۹۰</sup>

علی‌رغم وجود این فرض، رویه فوق (که کاربردی گسترده و فراوان دارد) می‌تواند به عنوان دلیل وجودی عرفی بودن حق بر حقیقت مورد استناد قرار گیرد، لیکن ضروری است به تأمل پیرامون چیستی و ماهیت این حق و دامنه شمول آن پردازیم. نکته اول این است که گرچه سازوکارهای مذکور بر حسب وظایفی که برعهده دارند با هم متفاوت می‌باشند لیکن، عموماً با تخلفات عمده قانون حقوق بشر و بشردوستانه دست و پنجه نرم می‌کنند. نکته دوم اینکه، عموماً وظایف سازوکارهای فوق محدود به حوادثی معین نیست بلکه بیشتر در دوران مخاصمات مسلحانه، آشوب‌های شدید داخلی یا فروپاشی دولت‌ها ایفای وظیفه

---

۸۸. ماده ۸ توافق جامع صلح شهر اکرا (Accra)، جمهوری غنا مصوب ۱۸ آگوست ۲۰۰۳، مربوط به تأسیس کمیسیون حقیقت و سازش می‌باشد. و در این راستا کمیسیون موظف به تأسیس دادگاهی شد که به موضوع بی‌کیفیری پرداخته و رسیدگی به قربانیان و مرتکبان تخلفات حقوق بشری را در لیست برنامه‌های خود قرار داده و حصول به چهره شفاف از گذشته را تسهیل نماید به نحوی که این شفاف‌سازی، دستیابی به سازش و جبران خسارات واقعی را تسهیل نماید.

۸۹. برای مثال می‌توان اشاره نمود به قضیه سیرالئون (توافق صلح بین حکومت سیرالئون و جبهه متحد انقلابی این کشور (ماده XXVI)، گواتمالا (کمیسیون شفاف‌سازی تاریخی (CEH) که در تاریخ ۲۳ ژوئن ۱۹۹۴ به عنوان بخشی از توافق‌های صلح بین حکومت گواتمالا و اتحاد انقلابی گواتمالایی (URN6) تأسیس شد و همچنین السالوادور (کمیسیون حقیقت السالوادور که در نتیجه توافقات صلحی که با دخالت سازمان ملل متحد صورت پذیرفت، در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۹۲ تأسیس گردید).

۹۰. رجوع شود به اصل ۳ از اصول اصلاحی راجع به بی‌کیفیری و پاراگراف ۱۹ گزارش گزارشگر مستقل، مذکور در فوق شماره ۱۲.

می‌نمایند.<sup>۹۱</sup> این ضرورت احساس شده که باید ماهیت، علل و دامنه شمول تخلفات و اشخاص مسئول ارتکاب این اعمال مورد شناسایی قرار گیرند.<sup>۹۲</sup>

نکته سوم اینکه، حق مذکور به افراد و جامعه در کل تعلق دارد.

نکته چهارم اینکه، اعم از اینکه فرآیندهای حقیقت‌یابی و نتایج حاصل از رسیدگی‌های مذکور متضمن نوعی ویژگی تجدیدنظرخواهی باشند؛ سازوکارهایی که عموماً در راستای ایجاد سازش تلاش می‌نمایند به حمایت جامع از حقیقت منتهی نمی‌شوند. نکته اخیر یادآور این نظریه است که حقیقت متناسب با نیازهای موجود است. گزارش کمیسیون‌های فوق‌الذکر، مبین وظیفه حقیقت‌گویی می‌باشند، در این خصوص می‌توان به قسمتی که مرتبط با پاسخگویی دول به تخلفات اتهامی حقوق بشری می‌باشد،<sup>۹۳</sup> اشاره نمود. درواقع، این پاسخگویی، یک اقدام اصلاحی<sup>۹۴</sup> در راستای حصول به توافق و سازش<sup>۹۵</sup> محسوب

---

۹۱. کمیسیون حقیقت و سازش و استقبال در تیمور شرقی ملزم شده است، تخلفات شدید حقوق بشری را در دوره زمانی بیش از ۲۵ سال و از سال ۱۹۷۴ مورد بررسی قرار داده و گزارشی را در این خصوص فراهم نماید.

نگاه کنید به : Section 13.2 Regulation, No. 2001/10 on the Establishment of a Commission for Reception, Truth and Reconciliation in East Timor, UNTAET/ REG// 2001, 10, 13 July 2001.

۹۲. همان، بخش ۱۳ از سند مذکور، ۶ مورد ذیل را در زمره وظایف کمیسیون احصاء نموده است: ۱- تعیین دامنه شمول تخلفات حقوق بشری که منجمله مشتمل بر تعیین الگوی مستمر تخلفات خواهد بود. ۲- تعیین ماهیت، علل و دامنه شمول تخلفات حقوق بشری که مشتمل است بر تعیین سابقه، عوامل، شرایط و انگیزه‌هایی که منتهی به ارتکاب این اعمال شده است. ۳- معرفی اشخاص، مقامات ذیصلاح و سازمان‌هایی که در ارتکاب این اعمال مداخله داشته‌اند. ۴- تعیین اینکه آیا سیاست و برنامه‌ای از پیش تعیین شده جهت تخلفات وجود داشته یا اینکه تخلفات مذکور ناشی از صلاحیت دولت و نهادهای دولتی و یا گروه‌های نظامی و سازمان‌های سیاسی، جنبش‌های آزادیبخش و یا هر گروه و فرد دیگری بوده است. ۵- تعیین اینکه نقش نمایندگان داخلی یا خارجی در مخاصمه چه بوده است. ۶- تعیین مقامات سیاسی پاسخگو در تخلفات مذکور.

93. National Reconciliation commission Report of Ghana, 16 May 2006, para. 1.1.2.

94. Report of the Chilean National Commission on truth and Reconciliation, University of Notre Dame Press, Notre Dame, Indiana, 1993, vol. I/II, Part 1, Chapter 1.

95. Guatemala: Memory of Silence, Commission for Historical Clarification (CEH), February 1999, Prologue.

می‌شود و از دیگر سو دلیلی بر غیرقابل انتقال بودن حق بر حقیقت<sup>۹۶</sup> تلقی می‌گردد. در همین راستا، میخائیل ایگناتیف\* تأکید دارد بر اینکه «آنچه یک کمیسیون حقیقت در رسیدگی‌های خود بدان نائل می‌گردد، منتهی به کاهش مطالب کذبی می‌شود که مخالفتی با آن صورت نگرفته است».<sup>۹۷</sup> از این حیث، فقدان آگاهی از حقیقت منتهی به تقسیم جوامع شده است، لیکن نباید از نظر دور داشت که توسط سازوکارهای مذکور مفاهیمی چون «تصفیه جمعی» و «وجدان جمعی» می‌تواند به منصفه ظهور برسد و از تکرار تخلفات مشابه جلوگیری به عمل آورد.<sup>۹۸</sup> علاوه بر این، حضور نمایندگان دولتی در کمیسیون‌های تحقیق، موجب می‌گردد تا حقیقت‌یابی کمیسیون‌های مذکور بار رسمی به خود گرفته و این در راستای حصول به سازش ملی ارزشی کلیدی محسوب می‌شود.<sup>۹۹</sup>

در این راستا، برخی از کشورها، حق خانواده‌های قربانیان بر اطلاع یافتن از سرنوشت خویشاوندان مفقودالثرشان را در قوانین نظامی و خانوادگی مورد شناسایی قرار داده‌اند.<sup>۱۰۰</sup> به طور مثال، کلمبیا در سال ۲۰۰۵، حق بر حقیقت را برای جامعه و قربانیان حقوق بشر، در قوانین خود گنجانده.<sup>۱۰۱</sup>

---

96. Witness to Truth: Report of the Sierra Leone Truth & Reconciliation Commission, Vol. I, 5 October 2004, p. 79.

\*. Michael Ignatieff

97. M. Ignatieff, "Articles of Faith", Index on Censorship, Vol. 25, No. 5, 1996, p. 113.

۹۸. رئیس دیوان آمریکایی حقوق بشر، پدرونیکن (Pedro Nikken)، تأکید داشته است بر اینکه: کشف حقیقت دو عملکرد دارد: «اول آنکه، وقایع ارتكابی را به اطلاع جامعه برساند این منتهی به نوعی تصفیه جمعی می‌شود و دوم آنکه، تلاش جهت ایجاد وجدان جمعی، به عنوان یک نیاز، مانعی بر سر راه تکرار اعمال مشابه است ...» نقل شده در:

Witness to Truth: Report of the Sierra Leone Truth & Reconciliation Commission, Vol 1, 5 October 2004, p. 79.

99. See, Mendez, ۳۹، مذکور در فوق پاورقی، at p. 269، ذکر شده در، Thomas Nagel.

100. See also; Customary International Humanitarian Law, Volume II, Practice, Part 2, ICRC, Cambridge University Press, Cambridge, 2005, pp. 2766-2767: Bosnia and Herzegovina, Law on Missing Persons, 2004 (on File with author)

۱۰۱. قانون شماره ۲۵، ۹۷۵، ۲۵ جولای ۲۰۰۵، با عنوان «حقوق مبتنی بر عدالت و صلح»، ماده ۷ حق بر حقیقت را به عنوان حقی متعلق به جامعه، تعریف نموده است، هرچند، این قانون مورد انتقاد کمیسر عالی حقوق بشر به علت اینکه با این قانون به سوی حق بر حقیقت رهنمون نخواهیم شد، قرار گرفته

به طور کلی، حق بر حقیقت قربانیان نقض حقوق بشر و بستگان آنها، به طور صریح در قوانین اساسی کشورها مورد شناسایی قرار نگرفته است، هرچند در اکثر قوانین به جز قانون اساسی، آزادی اطلاعات از جمله حق اطلاع‌یابی را مورد شناسایی و حمایت قرار می‌دهند، به طور قابل ملاحظه‌ای مرکز اقدام برای آزادی اطلاعات ایالات متحده و مرکز اقدام برای ارتقاء دسترسی به اطلاعات در آفریقای جنوبی حقایق را راجع به تخلفات حقوق بشری در السالوادور، گواتمالا، پرو و آفریقای جنوبی افشا نموده و در این راستا به کمیسیون‌های حقیقت کشورهای فوق مدد می‌رساند.<sup>۱۰۲</sup>

همچنین دادگاه‌های داخلی، قضاوت‌ها و احکامی را مورد بحث قرار داده‌اند که دلالت بر اهمیت حق بر حقیقت دارد، و به موجب آنها و براساس حقوقی چون؛ حق بر سوگواری<sup>۱۰۳</sup>،

---

است؛ به عبارتی وقتی اجازه می‌دهیم تحقیقات و رسیدگی با محدودیت مواجه شود و دادستان کل انگیزه کمتری برای جستجوی حقیقت داشته باشد بنابراین در مراحل پیگرد کیفری، دغدغه پرداختن به حقیقت وجود نخواهد داشت.

102. UN Doc.E/CN.4/2004/88, para 20, ley federal de Acceso a la información  
نگاه کنید به: قانون مصوب ۲۰۰۲ فدراسیون مکزیک درخصوص دسترسی به اطلاعات سیستماتیک و گسترده که به موجب آن، کانون و کلا به امحای تعدادی از اسنادی که مبین نقض سیستماتیک و گسترده حقوق بشر است، بپردازند. و همچنین قانون اساسی آلمان ۱۹۹۱، دسترسی افراد را به اطلاعات مورد نیازشان که در دسترس سرویس‌های امنیتی دولتی است، تسهیل می‌نماید زیرا نفوذی که این سرویس‌ها بر زندگی خصوصی افراد داشتند، ارتقاء و تضمین دسترسی تاریخی، سیاسی، قضایی به فعالیت سرویس‌های امنیت دولتی را ممتنع می‌کند. Stasi Files Act (Stasi – unterlagengesetz, STUG), Federal Law Gazette I, 1991, p. 2272, شد.

103. See also; Agreement of 1 September 2003 of the National chamber for Federal Criminal and Correctional Matters (Camara Nacional de lo criminal y Correccional Federal), Case of Suarez Mason, ROI, 450; Agreement of 1 September 2003 of the National Chamber for Federal Criminal and Correctional Matters, Case of Escuela Mecanica de la Armada, Ro1. 761; Judgment of 8 December 2004 of the National Chamber for federal Criminal and Correctional Matters, case of Maria Elena Amadio, Ro1. 07/ 04-p; and Judgment of the oral Tribunal in Criminal Federal Matters, No. 3 (Tribunal oral en 10 Criminal Federal), case of Carlos Alberto Telleidin and Others-Homicide (Amia Case), Ro 1. 487-00.

حق بر عدالت و انصاف،<sup>۱۰۴</sup> نیاز به تصفیه تاریخی، سلامت فردی و اجتماعی، جلوگیری از نقض‌های آینده،<sup>۱۰۵</sup> تحکیم و تقویت مردم‌سالاری و حکومت قانون،<sup>۱۰۶</sup> دستور اجرای احکام فوق حتی بدون حضور اصحاب دعوا را صادر می‌نمایند.

در پرونده سربرنیکا حقوق بشر بوسنی و هرزگوین اساس حق خانواده‌ها را بر دانستن حقیقت درباره سرنوشت حدود ۷۵۰۰ مرد و پسر مفقود شده مبتنی بر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، می‌داند. به ویژه اینکه شعبه مذکور توجه شایسته‌ای به حق شکنجه نشدن و دیگر رفتارهای غیرانسانی دارد. زیرا مطلع شدن از حقیقت راجع به سرنوشت خویشاوندان، سلامت آنان و صدور رأی نهایی از نقض ماده ۳ کنوانسیون جلوگیری نموده است،<sup>۱۰۷</sup> حق داشتن زندگی خانوادگی (زیرا وقتی که اطلاعات مورد نیاز تحت تصاحب و کنترل دولت می‌باشد و دولت به طور خودسرانه و بدون ذیحق دانستن افراد از افشا آن به اعضای خانواده‌ها امتناع می‌نماید، درواقع حق داشتن زندگی خانوادگی را مخدوش نموده است).<sup>۱۰۸</sup> و وظیفه دولت رهبری و هدایت مؤثر رسیدگی‌هایی بوده<sup>۱۰۹</sup> که در ارتباط با نقض ماده ۳ است. گرچه احکام دادگاه‌ها تنها به عنوان یک منبع فرعی ملحوظ شده‌اند، لیکن برطبق قسمت الف بند (د) ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، احکام فوق «نقش فزاینده و مهمی را در شناسایی انواع حقوق بشر به عنوان عرف ایفاء می‌نمایند و جمع نمودن این پرونده‌های حقوقی در ارگان‌های حقوق بشری و دادگاه‌ها به اعتبار و استحکام و تثبیت توسعه حقوق بشر عرفی منجر می‌گردد.»<sup>۱۱۰</sup> علاوه بر اینکه مرون قائل به وجود دو

104. Chamber for Federal Criminal and Correctional Matters, Decision of 18 May 1995, case of Maria Aguiar Lapao. Rol. 450.

105. Supreme Court of the Nation (Argentina), Judgment of 14 June 2005, 5. 1767.XXXVIII, "Simon Julio Hector y otros s/privacion ilegítima de Libertad", Case, Ro 1, No. 17768.

106. Ibid, Paras. 15 and 19, see also; Constitutional Court of Colombia, Judgment of 20 January 2003, Case t-249/03; Judgment C-228 of 3 April 2002; and Judgment C\_875 of 15 October 2002

107. Decision on Admissibility and merits of 7 march 2003, "Serbrenica Cases", Case Nos.CH/ 01/8365 et al., para 220 (4); see also ; Para 191.

108. Ibid, Para 181 and 220(3).

109. Decision on admissibility and Merits of 11 January 2001, Palic v. Republike Srpska, Case No. CH/ 99/3196; Decision on admissibility and Merits of 9 November 2001, Unkovic v. Federation of Bosnia and Herzegovina, Case No. CH/99/2150.

110. Meron, مذکور در فوق نکته ۳۸, p. 89.



عنصر ضروری جهت شناسایی عرفی بودن حقی می‌باشد، در عین حال وجود برخی عوامل مداخله‌گر را مورد شناسایی قرار داده است؛ بدین معنی که «این عوامل از یکسو، یک حق را با محدودیت مواجه می‌سازد و از دیگر سو موجبی بر گسترش دامنه شمول تخلف از آن حقی می‌گردد».

با لحاظ محدودیت‌های حاکم بر حق بر حقیقت، برخی از کشورها، این نوع الزام و تعهد را در مفاد و مفهوم اصل آزادی اطلاعات شناسایی نموده‌اند. مشخصاً برطبق حقوق بین‌الملل حق آزادی اطلاعات در مقابل ضرورت حمایت از اعتبار و حقوق دیگران یا حمایت از امنیت ملی، سلامت عمومی، نظم عمومی، اخلاق حسنه، با محدودیت روبه‌رو می‌شود.<sup>۱۱۱</sup> لیکن آیا می‌توان چنین محدودیت‌های مشابهی را راجع به حق بر حقیقت نیز قائل بود؟ این بحث مطرح شده است که ویژگی لاینفک این حقوق قلمرو گسترده آنهاست (به طوری که مربوط به تخلفات فاحش قواعد حقوق بشر و بشردوستانه می‌شود) که مانع هرگونه تخلف از حقوق مذکور می‌باشد و کوتاهی در مطلع نمودن مردم از سرنوشت خویشاوندان مفقودشان حتی شکنجه آنها را در پی خواهد داشت و برطبق اصول و ضوابط بین‌المللی، جرم تلقی می‌گردد، این موضوع مورد توجه قضات دادگاه‌های داخلی و منطقه‌ای قرار گرفته است.

البته بحث جبران خسارت که می‌تواند در جهت حمایت از حقوق اساسی افراد مطرح گردد، ازجمله قرار احضار زندانی (به منظور رسیدگی به اینکه بازداشت وی طبق قانون صورت گرفته یا خیر)\*، اگر به عنوان ابزاری شکلی به منظور اجرایی نمودن حق بر حقیقت مورد استفاده قرار گیرد از تخلفات آینده جلوگیری می‌کند.<sup>۱۱۲</sup> علاوه بر این، رویه دادگاه‌ها دولت را در جهت تضمین و حمایت از حق بر حقیقت به عنوان حقی از حقوق اساسی بشر ملزم و موظف نموده‌اند.<sup>۱۱۳</sup> اگر حق بر حقیقت به منظور استیفاء دیگر حقوق اساسی بشر به

---

۱۱۱. نگاه کنید به: بند (۳) ماده ۱۹، میثاق حقوق مدنی و سیاسی.

\*. Habeas corpus

۱۱۲. نظریه عمومی کمیته حقوق بشر: ازجمله نگاه کنید به: States of Emergency نظریه مشورتی

دادگاه داخلی حقوق بشر آمریکا، OC-8/87 of 30 January 1987، نظریه مشورتی OC-9/87 of 6

October 1987.

113. European Court on Human Rights (Judgment of 25 May 1998, Kurt v. Turkey, Application No. 24276/ 94; Judgment of 14 November 2000, Tas v. Turkey,

مانند حق حیات و حق شکنجه نشدن ضروری است، مجاز دانستن اعمال هرگونه محدودیت یا تخلف از مفاد این حق، مشکل به نظر می‌رسد.

در عمل مشاهده می‌شود دول تمایلی به بازگویی حقایق راجع به تخلفات حقوق بشری ندارند و همواره در جستجوی راههایی برای اعمال محدودیت در اطلاع‌رسانی هستند. در سال‌های اخیر، دولت‌ها با توسل به توجیه امنیت ملی تلاش نمودند تا دسترسی به اطلاعات را محدود نمایند، حتی زمانی که این اطلاعات مربوط به نقض فاحش حقوق بشر بوده است چنین روش‌هایی درخصوص «رسیدگی خارج از نوبت» پرونده‌های مربوط به متهمان به اقدامات تروریستی اتخاذ گردیده است.

در پرونده ماهرآرار مربوط به یک شهروند کانادایی که از هواپیمای جان اف کندی ربوده شده و به سوریه برده شد، (جایی که او را به طور مخفیانه زندانی کردند و به مدت ۱۰ ماه تحت شکنجه قرار دادند)؛<sup>۱۱۴</sup> اتحادیه آزادیخواهان مدنی آمریکایی (ACLU) بر طبق قانون اساسی و قانون حمایت از قربانیان شکنجه درخواست رسیدگی و مذاکره نمود.<sup>۱۱۵</sup> در

---

Application No. 24396/94; and Judgment of 10 may 2001, Cyprus v. Turkey, Application No. 25781/94; Inter-American Court of Human Rights (Judgment of 29 July 1988, Velasquez Rodriguez case; Judgment of 20 January 1989, Godinez Cruz Case; Judgment of 3 november 1997, Castillo Paez Case; Judgment of 24 January 1998, Blake Case para 97; Judgment of 25 November 2000, Bamaca Case; Judgment of 25 November 2003, Myrna Mack Chang case; Judgment of 8 July 2004, Case of the Comez-Paquiyaury brothers V. Peru; Judgement of 5 July 2004, case of 19 Merchants v. Colombia; Judgment of 7 September 2004, case of Tibi v. Ecuador; Judgment Molina Theissen case (Reparation), Judgment of 15 June 2005, Case of Moiwana Village v. Surname, Judgment of 22 November 2004, Case of Carpio-Nicolle V. Guatemala; Judgment of 1 March 2005, Case of Serrano-Cruze sister v. El Salvador, and Judgment of 15 September 2005, Case of the Massacre of Mapiripan v. Colombia).

114. See; Jane Mayer, "Out Sourcing Torture: The Secret History of America's", extraordinary rendition program, The New Yorker, 15 February 2005, available at <http://www.newyorker.com/fact/content/?050214fa-fact6> (آخرین بازبینی ۴ آوریل ۲۰۰۶).

۱۱۵. در تصمیم ۱۶ فوریه ۲۰۰۶، دادگاه منطقه آمریکا، شکایت آقای ماهرآرار را به دلیل اینکه ادعای مربوطه بر مبنای قانون حمایت از قربانیان شکنجه استوار نبوده، رد نمود. دادگاه با استناد بر سیاست خارجی و نگرانی برای امنیت ملی ادعای شاکی لیونس را مبنی بر طی نمودن فرایند ماهوی لازم به منظور جبران خسونت‌ها و شکنجه‌های روا شده در سوریه، رد کرد. همچنین اگرچه دادگاه ادعای شاکی را به لحاظ فرایندهای شکلی دادرسی رد نمود و حق مراجعه وی را به دلیل بازداشت او در

پاسخ، ایالات متحده ادعای مصونیت کرد و موضوع دفاع سری دولت را اظهار نمود. در مقابل ACLU تلاش نمود تا تأییدیه رسمی اعمال رسیدگی خارج از نوبت را از طریق اجرای اصول محاکمات مربوط به آزادی اطلاعات دریافت نماید. متعاقب آن، در سال ۲۰۰۴ دادگاه دستوری مبنی بر تهیه و ارائه مدارک لازم به طرفیت دولت صادر نمود. هرچند براساس امنیت ملی<sup>۱۱۶</sup>، همکاری سیا با دادگاه در راستای اجرای حکم فوق‌الذکر، بعید به نظر می‌رسید.

ارزش بالقوه حقیقت در اینجا از حق بر حقیقت در حقوق عرفی تمیز داده می‌شود و جدا از حق بر دسترسی به اطلاعات است. بر این اساس هر شهروندی می‌تواند از این حقوق بهره‌مند گردد و در عین حال در دسترسی به آن با محدودیت روبه‌رو باشد، زیرا اگر حق بر حقیقت، یک حق غیرقابل انتقال باشد و به منظور حمایت از دیگر حقوق اساسی بشر ضروری به نظر برسد، میزان استناد دولت‌ها به «امنیت ملی» یا توجیهات دیگری که دسترسی به این حقوق را محدود می‌سازد، احتمالاً کم خواهد بود.

حوزه دیگری که دسترسی به حق بر حقیقت را با محدودیت مواجه می‌نماید و به نوعی رویه‌ای مغایر با حق بر حقیقت محسوب می‌شود، عفو و بخشش است. یکی از معمول‌ترین راه‌های اجرایی که منجر به خنثی‌نمودن و بی‌نتیجه‌گزاردن حقیقت می‌گردد، اعمال عفو و بخشش است که از این طریق حضور مرتکبان نقض حقوق بشر در محاکمه با مانع روبه‌رو می‌شود. بیشترین مثالی که اخیراً در این زمینه به کار می‌رود، عفو و گذشت از متهمان نقض حقوق بشر با انگیزه سیاسی در الجزایر در فوریه ۲۰۰۶ است که در اثر آن نه‌تنها پیگرد و

---

ایالات متحده به دادگاه تکذیب کرد، لیکن به وی اذن دادخواهی مجدد را در این موضوع، اعطا نمود. نگاه کنید به: پرونده ماهر آرار علیه جان آشکرافت و دیگران.

5803 LEXIS, Dist US 2006; 250 2d, suppf 313, 16 February 2006.

۱۱۶. همچنین نگاه کنید به: پرونده خالد ال ماسری علیه جورج تنت، 12 May 2006, LEXIS. 34577, US Dist که در آن شاکی، یک شهروند آلمان بود و به عنوان قربانی بی‌گناه در ایالات متحده با توجه به رسیدگی خارج از نوبت، از مدیر مسئول سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) و شرکت‌های خصوصی و کارفرمایان ناشناخته‌ای که با سیا همکاری می‌نمایند، ادعای خسارت نموده است. دادگاه دیستریکت در رأی مأخوذه، ادعای دولت را مبنی بر مصونیت و دارا بودن مزیت سری و حق ویژه مسموع دانست و درخواست شاکی را رد کرد.

تعقیب این متهمان ممنوع شد، بلکه همچنین هرگونه مباحثه و مناظره توسط جرم‌شناسان مباحث عمومی در این مورد با مانع مواجه گشته است.<sup>۱۱۷</sup> درواقع، قواعد مربوط به عفو و گذشت توسط افراد ذی‌صلاح برطبق حقوق بین‌الملل وضع نشده است، این قواعد با مانع ایجاد نمودن در امر تحقیقات و رسیدگی و نیز با جلوگیری از مسئول شناختن متهمان در نقایصی که از طریق تشخیص هویت و پیگرد و تعقیب قانونی آنان مشخص می‌گردد، از برملا شدن حقیقت جلوگیری می‌نمایند.<sup>۱۱۸</sup>

از سویی دیگر، عفو و گذشت منتهی به افشای اطلاعات راجع به تخلفات حقوق بشری خواهد شد، برای مثال در آفریقای جنوبی، نه‌تنها اجازه بازگویی حقایق داده می‌شود، بلکه این پروسه نیز تسهیل شده است.<sup>۱۱۹</sup>

به نظر می‌رسد عقیده مشخصی که از تحقیقات و دانش روز منبعث گشته و نوعی از عفو با عنوان «عفوهای منتهی به جوابگویی»<sup>۱۲۰</sup> را از اعتبار قانونی برخوردار دانسته و آن را

---

۱۱۷. ۲۷ فوریه ۲۰۰۶، کابینه الجزایر، همراه با رئیس‌جمهور عبدالعزیز بوتفلیکار مصوبه اجرایی منشور صلح و سازش ملی را تصویب نمودند. مصوبه مذکور، عفو آن کسانی را که مباشر، شریک یا معاون جرم کشتار دسته‌جمعی، تجاوز، یا انفجار در مکان‌های عمومی هستند، از مجازات معاف می‌دارد.

118. See; Garay Hermansilla et al. v.chile, case 10.843, Report No. 36/96, Inter-Am, CHR, OEA/Ser. L/V/11.95 DOC 7 rev. at 156 (1997).

۱۱۹. نگاه کنید به؛ پرونده سازمان مردمی آزانپان (AZAPO) علیه رئیس‌جمهور جمهوری آفریقای جنوبی و دیگران، Case CCT 17/96،

(Sout Africa), 1996, (here in after the AZAPO Case), Para 22.

۱۲۰. عبارت «عفو جوابگو» از پروفیسور رونالد سی. اسلای اقتباس شده است: "The Legitimacy of Amnesties under International Law and General Principles of Anglo-American Law: Is a Legitimat Amnesty Possible?", Virginia Journal of International Law, Vol. 43, p. 173, at p. 245.

به عفو اشاره می‌کند که پاسخگوی قربانیان بوده و به جبران خسارت آنان توجه دارد. برطبق عقیده پروفیسور اسلای، این نوع از عفو که مورد شناسایی قرار گرفته است، بایستی طبق ساختارهای دموکراتیک ایجاد شود، ضمن اینکه قابلیت اعمال آن در جرائم سنگین و پرمسئولیت بین‌المللی، امکان‌پذیر نمی‌باشد. همچنین نگاه کنید به:

William W. Bruke-White, "Reframing Impunity: Applying Liberal International law Theory to an Analys of Amnesty legislaton", Harvard International Law Journal, vol. 42; No. 2 (2001),

(تأکید دارد بر اثر قانونی عفوهای که توسط دولت‌های دموکراتیک وضع

برطبق حقوق بین‌الملل قابل شناسایی قلمداد نموده، منجر به تقویت نظریه‌ای شده است که با ابتدا بر آن حق بر حقیقت صرفاً یک ارزش اخلاقی یا معنوی نیست بلکه دارای اعتبار قانونی است.

در عین حال، مشروعیت عفو به طور آهسته، جامعه بین‌المللی را به سوی از میان برداشتن محدودیت‌هایی که حقیقت‌یابی جرائم بین‌المللی را با مشکل مواجه نموده، به پیش می‌برد.<sup>۱۲۱</sup>

بنابراین، در نتیجه‌گیری از فرضیه‌ای که حق بر حقیقت را یک نوع حق عرفی تلقی می‌نماید، می‌توان گفت، اگرچه هیچ‌گونه عبارت صریحی از این حق در اسناد حقوق بشری و اصول اصلاحی راجع به بی‌کیفری ذکر نشده، لیکن نتایج حق مذکور را در ارتباط با دیگر حقوق اساسی بشر، می‌توان در رویه‌های ارگان‌های حقوق بشر و دادگاه‌ها مشاهده نمود. در یک جمع‌بندی، در اثر تصمیم‌های متخذه، رویه گسترده و شایعی ایجاد شده که سازوکارهای فوق‌الذکر برای کشف حقیقت جرایم ارتکاب یافته در کشورها دنبال می‌نمایند، همچنین قوانین ملی و اعتقاد پایدار ارگان‌های ملی و بین‌المللی مبنی بر اهمیت دانستن و اطلاع‌یافتن از حقیقت، حق بر حقیقت را (گرچه به صورتی متفاوت) به سوی عرفی شدن

---

(مicheal P. Scharf, "The Amnesty exception to the Jurisdiction of the International Criminal Court", Cornell International Law Journal, Vol. 32 (1991); تأکید دارد به اینکه نمایندگان ICC باید در تصمیم‌گیری‌های خود عفو را خواه جرمی به وقوع پیوسته و در مرحله تعقیب باشد، خواه مخاصمه مسلحانه بدون توسل به عفو پایان یابد و خواه دولت سازوکار حقیقت‌یابی را ایجاد نماید، مورد شناسایی قرار دهند).

And John Dugard, "Dealing with crimes of a Post Regime: Is Amnesty Still an Option?", Leiden Journal of International Law, vol. 12, No. 4 (1999), p. 1001 (پیشنهاد می‌نماید که عفو توسط کمیسیون حقیقت و سازش مورد پذیرش قرار گیرد، به طور مثال در آفریقای جنوبی، پس از تحقیقات مقدماتی همکاری و شرکت در دستیابی به صلح، انصاف و عدالت در جامعه، در مرحله گذار، مؤثرتر از الزام به تعقیب، پیگرد و اقامه دعوا، به نظر می‌رسد).

۱۲۱. نگاه کنید به: اصل ۷ از اصول حاکمیت جهانی، مصوب متخصصان حقوق بین‌الملل در سال ۲۰۰۱، مصوبه مذکور صراحت دارد بر اینکه: «بر طبق حقوق بین‌الملل عفوها، به طور کلی متباین با الزام دولت بر پاسخگویی به جرائم سنگین و مهم خواهد بود»، اصل ۷، Princeton principles on Universal Jurisdiction 28 (2001), Princeton University program in Law and Public Affairs, Princeton University, princeton, 2001.

نزدیک می‌کند. نیز باید در نظر گرفت که این حقوق قاطع‌ترین حمایت از کرامت و حیثیت ذاتی بشر و ارزش‌های پذیرفته شده جهانی برای بشریت هستند و این ویژگی، عرفی شدن آنها را مسجل‌تر می‌نماید.<sup>۱۲۲</sup>

### حق بر حقیقت به مثابه اصل کلی حقوقی

راجع به حق بر حقیقت به عنوان یک اصل کلی حقوقی چه مسائلی مطرح می‌شود؟ خوان‌مندز؛ یکی از متخصصان حقوقی حق بر حقیقت، با در نظر گرفتن این واقعیت که «این قاعده به عنوان یک هنجار و اصل حقوقی مشخص و معتبر در معاهدات بین‌المللی پیش‌بینی نشده»، این حق را به عنوان یکی از «اصول پدیدار شده در حقوق بین‌الملل» توصیف نموده است.<sup>۱۲۳</sup>

ممکن است این بحث مطرح شود که حق بر حقیقت به عنوان یک اصل حقوقی به طور همزمان از منابع داخلی و بین‌المللی منبث شده است. به عبارت دیگر، این مفهوم نیز به ذهن متبادر می‌گردد که حق مذکور در زمره قواعد کلی است که از قواعد خاص استقراء می‌گردد<sup>۱۲۴</sup> و نیز رویه قضایی دادگاه‌های حقوق بشری که به نظر می‌رسد حق بر حقیقت را به صورت کلی در تجزیه تحلیل‌های خاص حقوق عرفی شناسایی می‌نمایند، دلیلی برای وجود این حق محسوب می‌شوند.

همچنین این حق به عنوان یک اصل حقوقی از منابع داخلی ناشی شده است، زیرا زمانی که معاهدات بین‌المللی و عرفی دستورالعمل‌های کافی و کاملی ارائه نمی‌دهند، منابع داخلی به کامل نمودن خلاءها یاری می‌رسانند و بسیاری از اصول کلی حقوقی نظام‌های ملی از «عدالت طبیعی» اقتباس گشته‌اند، از جمله اصل حسن نیت، اصل ممنوعیت انکار پس از اقرار و اصل نسبیت. این را نیز باید در نظر گرفت که حق بر حقیقت، ریشه‌های مشابهی با دیگر حقوق بشر دارد و براساس صیانت از کرامت و حیثیت ذاتی بشر طرح‌ریزی

122. Meron, ۳۸, مذکور در فوق نکته ۳۸, pp. 35 and 113, همچنین نگاه کنید به, Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States), Merits, Judgment, ICJ Reports 1986, 14 (1986), pp. 98-108.

123. Mendez, ۳۹, مذکور در فوق نکته ۳۹, p. 255.

124. Peter Malanczuk, Akehurst's Modern Introduction to International Law, 7th edition, Routledge, London, 1997, p. 48.

شده است. البته ذکر این نکته لازم است که به واقع ورود برخی از اصول حقوق داخلی به سطح بین‌المللی، به یکسری قواعد شکلی، از جمله حق دادرسی عادلانه، پیگیری موارد استنفاف از احقاق حق و اجرای عدالت و تضييع حقوق و یا توسل به مراجع ذیصلاح دادخواهی داخلی، محدود گردیده است. همچون قواعد مذکور، حق بر حقیقت، به لحاظ حمایت اساسی که از حقوق بشر می‌نماید، دولت را ملزم به پاسخگویی نسبت به تخلفات حقوق بشری می‌کند، به طور مسلم وجود و اعمال اصول کلی حقوقی، به ویژه در حوزه‌های جدید حقوق بشر بین‌المللی مفید فایده خواهد بود و پرواضح است که مفهوم حق بر حقیقت نیز در زمینه احقاق موقت حق می‌تواند سودمند باشد [برای مثال، حق جبران خسارت] اگرچه این حق را نباید در مضامین و مفاهیم موقت و گذرا گنجانده<sup>۱۲۵</sup> به علاوه، اصول کلی حقوقی نظم عمومی را به ویژه در مبحث حمایت از بشریت مطمح نظر دارد<sup>۱۲۶</sup> با این وصف می‌توان به طور ضمنی از مفهوم نظم عمومی، به حق بر حقیقت شناخته شده در سطح بین‌المللی رهنمون شد.

### اثرات منبعث از حق بر حقیقت: حقیقت و محاکمه کیفری

با توجه به آنچه که در مقدمه تبیین گشت، باید اظهار نمود، حق بر حقیقت دارای ارتباط تاکتیکی با محاکمه بین‌المللی بوده و محاکمه را در وصول به اهدافش یاری می‌دهد. برخی از نظریه‌پردازان نسبت به این رهیافت اخطار داده‌اند. به طور مثال پروفیسور کشکنیمی\* از چگونگی رسیدگی به جرائم بین‌المللی با مضامین سیاسی بالا، توصیفی ارائه کرده است و تصریح دارد بر این که «حداصل بین عدالت، حقایق تاریخی و تمایل به تحریف؛ نامحسوس است»<sup>۱۲۷</sup>.

---

۱۲۵. نگاه کنید به Mendez، مذکور در فوق نکته ۳۶، at p. 256، «... این الزامات مذکور خواستی جهانی است و به وسیله تجربیاتی که ارتباطی به مرحله گذار به دموکراسی ندارند، پرورش پیدا می‌نمایند».

126. See; Ian Brownlie, *Principles of Public International Law*, 3<sup>rd</sup> edition, 1979, p. 29.

\*. Professor Koskeniemi

127. Martti Koskeniemi, "Between impunity and Show Trials", 6 Max Planck UNYB (2002), p. 34.



به اعتقاد وی «شناخت حقایق تاریخی از سوی مردم، گرچه از طریق حقوقی و قانونی با توجه به بینش رئالیستی، پاسخی برای نیازهای جامعه خواهد بود لیکن، چنانچه ما نتایج حاصل از چنین بینشی را انکار کنیم، درواقع حقوق هم نمی‌تواند در این قسم مفید فایده باشد».

کشکنیمی ضمن تأکید بر این نکته که پیروان فلسفه هانس مورگنتو بر این اعتقادند که اعمال تشریفات قانونی رسیدگی به دعاوی در سطح بین‌المللی به دلیل مسائل سیاسی و حاکمیت کشورها با مشکل مواجه است،<sup>۱۲۸</sup> خاطرنشان می‌سازد که در نظر گرفتن فلسفه اصالت فرد درخصوص جرم بین‌المللی کیفری این احتمال را به همراه دارد که در نظام کیفری ملی نقصانی روی دهد،<sup>۱۲۹</sup> در حالیکه بسیاری از ساختارهای محاکم و دادگاه‌ها به گونه‌ای طرح‌ریزی شده که به طور ضمنی مجرم بودن را به متهمان القاء می‌کنند، گرچه ابراز دلیل و اثبات آن در محکمه امری مسلم است.<sup>۱۳۰</sup>

همچنین سایر نظریه‌پردازان در خصوص اعتقاد به اصول اخلاقی و ساده‌گرایی در حقوق بین‌الملل کیفری که «خطر نفوذ رهیافت‌های پیروان مانی (نقاش و پیغمبر ایرانی) در آن

---

۱۲۸. نگاه کنید به مطالب و مباحث مورگنتو، ارائه شده در "Die International Rechtspflege, ihr Martti Koskenniemi, The Gentle in swesen und ihre Grenzen", 1929, pp. 62-72,

Civilizer of Nations: The Rise and Fall of International Law 1870-1960, Cambridge university press, Cambridge, 2002, pp. 440-445.

129. Koskenniemi "between impunity and Show trail", P.32

همچنین نگاه کنید: به انتقادات وارده بر التزام به فلسفه اصالت فردی درخصوص مرتکبان کشتار دسته‌جمعی (ژنوساید) در رواندا. در واقع در قضیه مذکور، رسیدگی به جرائم برخی از عاملان و مرتکبان با کوتاهی مواجه شد:

Jean Marie Kamatali, "The Challenge of Linking International Criminal Justice and National reconciliation: The Case of the ICTR", Leiden Journal of International Law, Vol. 16, No. 1, March 2003, p. 124.

۱۳۰. بدین‌سان، کشکنیمی خاطرنشان می‌سازد که در محاکمه میلوسویچ در لاهه: «از آنجا که دادگاه مذکور با مجادلات سیاسی همراه گشت، می‌توان قائل به این شد که این محکمه بیشتر متوجه حضور میلوسویچ در دادگاه و اثبات اتهامات وی بود و همین پروسه در نگاه غریبها یک پیروزی به شمار می‌رود.»

Ibid, pp. 17-18.

وجود دارد»، هشدار داده‌اند.<sup>۱۳۱</sup> هانا آرنت در کتاب مشهور خود از محاکمه آیشمن در اورشلیم به دلیل اهداف آموزشی، سیاسی و تاریخی که در رسیدگی‌ها دنبال می‌کردند، انتقاد نمود؛ بدین معنی که: «هدف از این محاکمه تنها احیای عدالت بود و اهداف دیگر «که به نوعی در رژیم هیتلر ملحوظ شده بود ...»؛ نظیر تفهیم اتهام به متهم، صدور حکم و اجرای مجازات‌های لازم‌الاجرا را نیز می‌توان از بطن یک رسیدگی حقوقی دریافت».<sup>۱۳۲</sup>

آرنت به علت وجود چنین اهداف آشکارا تعلیمی، آموزشی احساس کرد که محاکمه آیشمن توسط نخست‌وزیر اسرائیل، دیوید بن‌کیرین؛ تبدیل به صحنه نمایشی از محاکمه‌ای مدلل و مستدل شد و از انگیزه‌های سیاسی حمایت می‌نمود که مرتبط با ذیحق بودن و لزوم اتحاد دولت اسرائیل بود.

تمایل به ارائه مفهومی کاربردی‌تر و عملی‌تر از حق بر حقیقت در ارتباط با دادرسی کیفری، یکی از مواردی است که در اثر آن، حق مذکور در ارتباط بین پروسه‌های حقیقت‌یابی و پروسه‌های قضایی بر عملکرد محاکم می‌گذارد.<sup>۱۳۳</sup> در اصل، این مفروضات مکمل یکدیگر هستند، لیکن، در عین حال امکان تضاد آنها با یکدیگر نیز وجود دارد، به طور مثال دادگاه ویژه سیرالئون (SCSL) در رأی خود، درخواست ساموئل نورمن را مبنی بر لزوم حضور وی در کمیسیون حقیقت و سازش (TRC) پیش از محاکمه در SCSL رد نمود؛ فی‌الواقع این امتناع دادگاه ناشی از فقدان حمایت‌های شکلی و دادرسی مقتضی از متهم در TRC بود.<sup>۱۳۴</sup> مفهوم ضمنی آن این بود که محاکمه‌ای منصفانه، به قاعده و در جهت حمایت از حقوق متهم، منتهی به عدم انجام وظیفه حقیقت‌یابی TRC می‌گردد. در مرحله پژوهش‌خواهی، رابرتسون پیشنهاد حل مسالمت‌آمیز اختلاف و سازش را مطرح نمود و برای نورمن اجازه ارائه مدارک کتبی خود یا ملاقات با TRC را به صورت غیرعلنی صادر

---

131. Antoine Garapon, "Three Challenges for International Criminal Justice", *Journal of International Criminal Justice*, vol. 2, No.3 (2004), p. 724.

132. Hannah Arendt, *Eichmann in Jerusalem: A Report on the Banality of Evil*, Penguin Books, New York, 1994, p. 253.

133. For more information see; William A. Schabas & Shane Darcy, *Truth Commissions and Courts: The Tension Between Criminal Justice and the Search for Truth*, Kluwer Academic Publishers, Dordrecht, 2004.

134. Decision on the Request of the Truth and Reconciliation Commission of Sierra Leone to conduct a public Hearing with Samuel Hinga Norman (SCSL 2003-08-PT) (3257-3264), 29 October 2003.

کرد و هرگونه رسیدگی علنی را رد نمود.<sup>۱۳۵</sup> در حقیقت، این مسئله هرگز رخ نداد، لیکن پذیرش صلاحیت دادگاه در حل و فصل اختلاف مذکور، این مسئله را به همراه داشت که امکان تحقیقات وسیع از برخی عاملان اصلی نزاع در سیرالئون از بین رفت. حال سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا رأی متخذ از سوی دادگاه می‌توانست به گونه‌ای متفاوت به حل و فصل اختلافات منتهی شده و در این راستا حمایت از حق بر حقیقت قربانیان، توجه به حقوق متهم و شناخت حقایق توسط جامعه سیرالئون را تماماً در نظر بگیرد.<sup>۱۳۶</sup> این واقعیت را نیز باید ملحوظ نمود که به طور کلی کمیسیون حقیقت و سازش، بیش از توجه به نگرانی‌های مطروحه در یک محاکمه کیفری، به قلمرو وسیع واقعیت‌ها و شواهد توجه دارد و نیز بر اهمیت تعیین‌کننده‌ای که اثبات حقیقت در جهت اهداف مسالمت‌آمیز و مصالحه‌برانگیز و نیز جلوگیری از خشونت‌های آتی خواهد داشت، تأکید نموده است. بهتر است دادگاه‌ها با توجه به موقعیت‌های مشابهی که پیش رو دارند، نگاهی متفاوت جهت نظر گرفتن مصلحت داشته باشند.

از این حیث مشکل این است که آیا سازوکارها می‌توانند استفاده از «مصونیت شهود»<sup>۱۳۷</sup> را به عنوان بخشی از آیین دادرسی کمیسیون حقیقت، به موقع اجرا بگذارند؟ به عبارتی دیگر آیا درخصوص گواهانی که در مقابل کمیسیون حقیقت، مبادرت به ادای شهادت

---

135. Decision on Appeal by the Truth and Reconciliation Commission of Sierra Leone ("TRC" or "The Commission" and chief Samuel Hinga Norman JP against the Desision of his Lordship, Mr Justice Bankole Thompson, delivered on 20 October 2003, to Deny TRC's Request to hold a public Hearing with Chief Hinga Norman JP, (SCSL-2003-08-PT), 28 November 2003.

۱۳۶. در این زمینه، توجه به این نکته نیز لازم است که اصل ۹ از اصول اصلاحی راجع به بی‌کیفری مذکور در فوق نکته ۱۲، چند دستورالعمل به منظور حمایت و حفاظت از حقوق افراد، در مرحله انجام تحقیقات توسط سازوکارهای حقیقت‌یابی، در نظر گرفته شده است.

۱۳۷. پیش از آنکه آن دادگاه رسیدگی‌های دیگری را نسبت به گواه به انجام رساند شاهد حق درخواست ادای شهادت از دادگاه ویژه سیرالئون را خواهد داشت. (قسمت (E) از مانده ۹۰ نظامنامه داخلی اصول و قواعد حاکم بر ادله اثبات دعوا SCSL) قاعده مذکور از نظامنامه داخلی اصول و قواعد حاکم بر ادله اثبات دعوا ICTR ناشی شده است، (در انطباق با ماده ۱۴ (۱) از اساسنامه SCSL).

می‌کنند، چنین اطلاعاتی منجر به پیگرد آنها نمی‌گردد؟<sup>۱۳۸</sup> اگر حق بر حقیقت را متعلق ذاتی یک اجتماع و قربانیان آن بدانیم، اعمال این اصل در آیین دادرسی و رویه‌های کمیسیون حقیقت تحکیم خواهد شد.

حوزه دیگری که شایسته توجه است، استفاده از طرح مصالحه طرفین (بین مشتکی عنه و دادستان با تأیید دادگاه، که در این مصالحه فرد گناهکار با توجه به جرم سنگینی که مرتکب شده و از طرف دیگر اعترافاتی که نموده، امیدوار به مجازات خفیف‌تر است) در محاکم رسیدگی به جنایات بین‌المللی است. گرچه با توجه به ماهیت جرائم ورود این ترتیبات در محاکم بین‌المللی با نوعی مقاومت مواجه شده است، لیکن دادگاه‌های کیفری بین‌المللی ویژه، به تدریج به سوی پذیرش استفاده از طرح مصالحه طرفین سوق می‌یابند، بدین مفهوم که این طرح، آیین دادرسی کیفری مؤثرتر و کارآمدتری را ایجاد می‌کند.<sup>۱۳۹</sup> طرح مذکور ابتدا با محکومیت و مجازات کردن افراد مورد نظر آغاز گشت، لیکن در حال حاضر متهم نمودن و ایجاد مسئولیت و التزام مشتکی عنه را در نظر دارد.<sup>۱۴۰</sup> از سویی دیگر اعتراف به گناه و جرم توسط متهم، برای اثبات حقیقت بسیار مهم است، زیرا ریشه اختلاف و دعوایی که از ادله و مدارک کافی برخوردار است را مشخص کرده و باعث می‌شود مشتکی عنه اطلاعاتی را ارائه دهد که در غیر این صورت ناشناخته باقی می‌ماند (ضمن اینکه با توجه به طرح مصالحه طرفین وی انگیزه کافی برای انجام چنین کاری را پیدا می‌نماید). بهترین مثالی که در این زمینه می‌توان مطرح نمود، پیشنهاد مصالحه و سازش مومیر نیکولیک نزد دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق (ICTY) است. در اظهاریه وی، تبیین واقعیت‌ها و پذیرش مسئولیت به پیشنهاد سازش و مصالحه ضمیمه شده

---

138. See also; William A. Schabas, "A Synergic Relationship: The Sierra Leone truth and Reconciliation commission and the Special court for Sierra Leon", in William A. Schabas & Shone Darcy, Truth commission and Courts: the Tension between Criminal Justice and the Search for truth, Kluwer Academic Publishers, Dordrecht, 2004, pp. 30-35.

۱۳۹. ۱۲ جولای ۲۰۰۲، ماده ۶۲ الحاقی به نظامنامه داخلی اصول و قواعد حاکم بر ادله اثبات دعوا ICTY، ماده مذکور متضمن آیین شکلی پذیرش طرح مصالحه طرفین و ترتیبات لازم آن مطرح می‌باشد.

140. Sentencing Judgment, Plavsic (IT-00- 39&40/1-S), Trial Chamber III, 27 February 2003.

بود، نیکولیک اظهار نموده بود که اعدام هزاران مسلمان، مردان و پسران سربرنیکا برنامه‌ای از پیش تعیین شده علیه بالاترین سطوح در ارتش صرب‌های بوسنی (VRS) بود. در نتیجه، براساس مسئولیت فردی و مسئولیت دولت در مقابل کشتارهای دسته‌جمعی و قتل‌عام‌های ارتكابی، مقابله با انکار و تکذیب‌های صورت گرفته در دست رسیدگی قرار گرفت.<sup>۱۴۱</sup> هرچند که بحث طرح مصالحه طرفین با اعتراف متهمان به جرائم فاحش، صورت واقعی‌تری به خود می‌گیرد، لیکن همچنان امکان تحریف واقعیاتی که به ثبت رسیده وجود خواهد داشت. با این وصف، این سؤال پیش می‌آید که آیا طرح مصالحه طرفین با حمایت از حق بر حقیقت جامعه و قربانیان آن سازگاری دارد؟ در پرونده پلاویک که نزد ICTY مطرح شد؛ متهم، اتهامات وارده را تصدیق کرده و همراه با ۵ صفحه از مدارک خود به پیشنهاد سازش و مصالحه پیوست نمود و همین مسئله منجر به ثبت یک واقعیت تاریخی شده که در راستای صیانت از حق بر حقیقت کافی به نظر می‌رسد. از سویی دیگر، پلاویک تنها مجبور به قبول و تأیید واقعیت‌هایی شد که او را متهم به آزار و شکنجه می‌کرد، بنابراین شرکت وی در هر گونه کشتار دسته‌جمعی و قتل‌عام به عنوان اتهامی اصلی، ناشناخته باقی ماند.

در واقع، بسیاری از صرب‌ها، طرح مصالحه طرفین را مثابه ابزاری که می‌تواند به حقیقت‌گویی منتهی گردد، نادیده انگاشته و آن را به عنوان روش حل و فصلی مورد شناسایی قرار داده‌اند که با منافع قضایی نظام دادرسی در ارتباط است.<sup>۱۴۲</sup>

---

۱۴۱. به طور مثال به معاون فرمانده امنیت و جاسوسی بریج براتوناک VRS (نیکولاک) فرمان داده شده بود تا بر «انتقال زنان و کودکان کلدانج، جدایی و بازداشت مسلمانان بازمانده از جنگ نظارت و هماهنگی نماید.» همچنین از او تقاضا شده بود تا محل‌های بازداشتی که مردان و سالمندان در آن نگهداری می‌شوند را تا زمان اعدامشان تعیین نماید. نیکولیک این اطلاعات را به فرمانده خود انتقال داد و او نیز با ویدوک بلاگویچ که در دادگاه متهم به اطلاع کامل از انتقال و اجرای اعدام بود؛ متهم گردید. به علاوه او به شرکت خود در نبش قبرهای متعدد و بیرحمانه اعتراف کرد و نام افرادی که به وی چنین دستوری داده بودند، افشا نمود و نیز وی در انهدام شواهد موجود بین‌المللی توسط افسران VRS درینا مداخله داشته و در عین حال افسران VRS و سرویس‌های امنیتی دولت او را به سکوت در مرحله تحقیقات دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق، ترغیب می‌نمودند.

142. Michael P. Schaf, "Trading Justice for efficiency", Journal of International Criminal Justice, Vol. 2, No. 4 (2004), pp. 1070-1081, at p. 1080.

در مغایرت با نظریه پست مدرنیسم به نظر می‌رسد، مناسب‌ترین مفهوم از حقیقت آن معنایی باشد که برای افراد گوناگون با عقاید مختلف قابل قبول خواهد بود.<sup>۱۴۳</sup>

بنابراین اصل کلی «حق بر حقیقت» می‌تواند به دادگاه‌ها کمک نماید تا از طرح مصالحه طرفین و سایر ابزارهای حصول به عدالت فوق‌الذکر، جهت نائل شدن به اهداف عدالت کیفری بین‌المللی، مدد گیرند. البته باید توجه داشت، توافقات و مصالحه‌های فوق‌آنچنان که باید در راستای حقیقت‌یابی قابلیت استناد ندارند و منتهی به این می‌شود که از یکسو مشتکی عنه دلایل و مدارک روشنی به محکمه ارائه دهد و از دیگر سو چه بسا تحریک شود، مدارک مهمی را ابراز نماید.<sup>۱۴۴</sup>

در نهایت، منصرف از آنکه کمیسیون حقیقت یا سایر مکانیسم‌های حقیقت‌یابی غیرقضایی اسامی افرادی که مسئول نقض‌های حقوق بشر می‌باشند را فهرست می‌نمایند یا خیر، یک مسئله همچنان لاینحل باقی می‌ماند و آن این است که به طور وضوح تضادی میان حق بر حقیقت جامعه و قربانیان با حقوق متهمان وجود دارد؛ (منجمله اصل برائت و حق دفاع فرد در برابر اتهامات کیفری). رویه کمیسیون‌های حقیقت در این خصوص متنوع است.<sup>۱۴۵</sup> اصول اصلاحی راجع به بی‌کیفری، اصول راهنمایی در این خصوص<sup>۱۴۶</sup> ارائه می‌دهند، لیکن احتمالاً این بحث همچنان ادامه خواهد داشت.

---

143. Mirjan Damaska, "Negotiated Justice in International Criminal Courts", *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 2, No. 4 (2004), pp. 1018-1039, at p. 1029.

۱۴۴. اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری (ICC)، شرایط سختی را برای صحت اقرارنامه در نظر گرفته است؛ ازجمله اعتراف‌های صورت گرفته باید به همراه اتهامات وارده و همچنین ادله ارائه شده توسط طرفین دعوا مورد بررسی قرار بگیرد. در عین حال قاضی می‌تواند تقاضا کند که دادستان ادله تکمیلی (برای مثال شهادت شهود) ارائه دهد. (ماده ۶۵ اساسنامه ICC).

۱۴۵. کمیسیون‌های حقیقت در السالوادور و آفریقای جنوبی عمده‌تاً در گزارش نهایی خود مرتکبان را متهم می‌نمودند. کمیسیون در گواتمالا صراحتاً از انجام چنین اقداماتی منع شده بود. کمیسیون ملی آرژانتین درخصوص ناپدیدشدگان براساس مأموریت مبهمی در این زمینه فعالیت می‌نمود ولیکن اسامی افرادی که گفته می‌شود متهم به ارتکاب جرائم فوق می‌باشند را منتشر ننمود. گرچه وظیفه کمیسیون ملی حقیقت و مصالحه شیلی آن علنی کردن اسامی اشخاصی که متهم به ارتکاب جرایم بودند را منع نمی‌کرد و اما کمیسیون چنین ننمود. در این راستا به نگرانی‌های عملی درخصوص تشریفات قانونی مؤثر بر شواهد، استناد می‌نمود.

## نتیجه‌گیری

در نگاه اول، به نظر می‌رسد حقیقت مفهوم آرمان‌گرایانه و لازم برای نوع بشریت است. مفهوم حقیقت محل مناقشه بسیار می‌باشد. حقیقت نه تنها مستلزم اعتبار عینی است، بلکه همچنین نیاز به شناختی ذهنی دارد. این حق گرچه از یکسو، منتهی به ایجاد توافقهایی در شناسایی حقایق واقعی خواهد شد، لیکن از دیگر سو، مستعد تفاسیر مختلف می‌باشد. حق موصوف در حوزه عمومی قابلیت اجرایی داشته و ورود آن به حریم خصوصی افراد محل تأمل است. این حق تصویری شفاف از گذشته ارائه می‌دهد، اما در عین حال چه بسا، عقاید ما را جهت‌دهی نموده و به ما بیاموزد چگونه اعمال آینده خود را تمشیت نماییم. با توسل به مباحث مطروح در مقاله حاضر، این استدلال عرض اندام می‌نماید که حق بر حقیقت هنوز قاعده‌ای حقوقی یا ابزاری تفسیری محسوب نمی‌شود، لیکن تا حصول به این مهم، فاصله چندانی ندارد و گرچه قرابت حق مذکور با کرامت انسانی تا آنجاست که هیچ فردی قادر به انکار اهمیت این حق خواهد بود، لیکن در هر حال در خصوص مفهوم تردید وجود دارد و ضمن اینکه تردیدهای فوق در برخی مواقع منتهی به استنباطی عالی به نفع حق مورد بحث می‌گردد؛ در عین حال گاهی آن را به مرتبه‌ای نازل‌تر از جایگاه یک قاعده حقوقی سوق می‌دهد. واقعیت این است که حق بر حقیقت در زمره موضوعاتی به شمار می‌رود که همچنان تحقیق، مطالعه و مباحثه در مورد آن لازم به نظر می‌رسد.

---

۱۴۶. اصل ۹ از «اصول اصلاحی راجع به بی‌کیفری» مقرر می‌دارد: پیش از آنکه کمیسیون مرتکبان را در گزارش خود شناسایی نماید، افراد مربوطه مستحق ضمانت‌های ذیل می‌باشند: الف) کمیسیون باید سعی کند اطلاعات مربوط به افراد را قبل از آنکه اسامی آنها منتشر گردد، تأیید کند. ب) افراد مذکور باید فرصت تهیه اظهارات براساس نوع جرمشان را دارا باشند و یا به کمیسیون‌ها این اجازه داده شود تا اسناد مرتبط خود را به دادگاه ارائه نمایند.